

۹۶۰ مباحثی در علوم جنایی

بهار ۱۳۸۱



دانشگاه امام صادق (ع)

دانشکده حقوق

دوره کارشناسی ارشد

تقریرات درس

جرم‌شناسی

(کنترل اجتماعی جرم و واکنش اجتماعی)

استاد: ع.ح. نجفی ابرندآبادی

تهیه و تنظیم

عباس تدین

نکته: این جزوه توسط آقای شهرام ابراهیمی دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران بازخوانی شده است.

مقدمه

جرم‌شناسی به طور کلی رشته‌ای است که در ایران به اعتبار اینکه مدل آموزشی ما دانشکده‌های حقوق فرانسه بوده‌اند، به عنوان درس جزا انتخاب شده است. در کشورهایی که حقوق نوشته را دنبال می‌کنند، از آنجا که جرم‌نرماتیو و هنجاری است و قانونگذار مصادیق آنرا تعیین کرده است، لذا مطالعه جرم‌شناختی آن در کنار مطالعه حقوق جزا مورد توجه قرار گرفته است، تحلیل جرم‌شناسی از حقوق جزا منفک نیست. جرم‌پدیده‌ای هنجاری است و در پرتو تعاریف و تفسیرهای حقوق جزا مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در کشورهای نیز جرم به عنوان رفتاری فاصله‌گیر از هنجارهای اجتماعی محسوب می‌شود که در قالب فعل و ترک فعل، فرد را از قواعد اجتماعی دور می‌کند. این رفتارها دو نوع است: اول، یا هنجارها جنبه نورماتیو و تقنینی و مشمول مقررات هستند، در این صورت فعل یا ترک فعلی که دور شدن از این هنجارهاست، جرم یا بزه نامیده می‌شوند که ممکن است جنبه کیفری، اداری، انضباطی و ... داشته باشند. لیکن وصف هر جرم، بستگی به نوع هنجار نقض شده دارد که اگر جنبه کیفری داشته باشد، آنرا جرم کیفری گویند، و اگر هنجار جنبه انتظامی داشته باشد، جرم انتظامی گویند. دور شدن از هنجارهای تقنینی صرف نظر از عنوان آن، جرم یا نقض یا تخلف است. در حقوق جزا صحبت از جرم کیفری است. دوم، یا فاصله گرفتن از هنجارهایی که فاقد رنگ هنجاری و تقنینی هستند، حالتی به نام انحراف را ایجاد می‌کند. فاصله گرفتن از هنجارهایی فاقد ضمانت اجرا را انحراف گویند. انحراف شامل هنجارهایی است که از لحاظ اجتماع اهمیت دارند ولی به

درجه‌ای از اهمیت نرسیده که قانون ضمانت اجرا تعیین کند و تنها مذمت و سرزنش اجتماعی را به دنبال دارد مانند دروغ‌گویی، عدم رعایت حق دیگران در صف و ... کشورهایی جرم را پدیده‌ای اجتماعی می‌دانند که ابتدا نقض هنجارهای اجتماعی است و بعد نقض هنجارهای قانونی، جرم‌شناسی را در دپارتمان‌های علوم اجتماعی بررسی می‌کنند. در کشورما، این درس در دانشکده حقوق تدریس می‌شود. نقطه قوت آن اینست که دانشکده‌های حقوق از اعتبار و توجه و امکانات بیشتری نسبت به دانشکده‌های علوم اجتماعی برخوردار هستند. جرم‌شناسی می‌تواند از مشروعیت و اعتبار دانشکده حقوق در جهت توسعه خود استفاده کند. نقطه ضعف ایستند که جرم‌شناسی از آنجا که جنبه هنجاری صرف ندارد و فراتر از تعریف قانون می‌رود، مورد عنایت اعضاء گروه جرم‌شناسی نیست. کمتر معلم متخصص در مورد جرم‌شناسی داریم. به طور کلی علوم جنایی، همواره در مرکز دل‌نگرانی‌ها هر جامعه وجود دارد زیرا علوم جنایی فی‌الواقع به پدیده‌هایی توجه می‌کند که به نوعی امنیت مالی و جانی افراد جامعه را در معرض خطر قرار می‌دهد. علوم جنایی، مرکز مطالعه‌اش انسان است. انسانی که به خاطر لحظه‌ای خطاء وصف مجرم می‌یابد.

جرم‌شناسی موضوع آن، مطالعه جرم و مطالعه مجرم است. در واقع، حالاتی به صورت شبه جرم وجود دارد که به آن حالت خطرناک گوئیم که لزوماً وصف مجرمانه ندارد و شخص را در آستانه جرم قرار می‌دهد و حالت خطرناک، ناسازگاری و انحراف است. محور اصلی علوم جنایی در کنار بزه‌کار و بزه، جامعه است. بزه و بزه‌کار زمانی قابل تصور است که در جامعه با هم باشند. بزه، بزه‌کار و جامعه در علوم جنایی مورد توجه است. علوم جنایی از زاویه‌های مختلف جرم را مطالعه می‌کند که ما می‌توانیم اجزاء مختلفی را از هم تفکیک کنیم. در تقسیم‌بندی علوم جنایی دو تقسیم‌بندی وجود دارد:

- ۱- علوم جنایی حقوقی ۲- علوم جنایی تجربی

جرم‌شناسی ۹۶۳

علوم جنایی حقوقی شامل رشته‌هایی است که خاستگاه آن مقررات، متون قانونی و تقنینی است. این رشته‌ها، جرم، بزه‌کار، بزه‌دیده و مجازات را آن طور که در متون تقنینی آمده، بررسی می‌کنند و چارچوب خاصی دارند.

علوم جنایی تجربی شامل رشته‌هایی است که جرم، مجرم، مجنی‌علیه و مجازات را در دنیای عمل، آن طور که به اجرا گذاشته می‌شوند و عمل می‌شوند، مطالعه می‌کنند. مثلاً سرقت، ربودن مال غیر به طور مخفیانه است و خارج از این تعریف قانونی، هیچ عملی سرقت نیست. قانونگذار بدون توجه به شخص مرتکب، حدود ثغور عمل را مشخص می‌کند و به مجرم توجه ندارد و به جرم توجه دارد لذا حقوق جزا جرم مدار است. اخیراً حقوق جزا خصیصه مجرم مدارانه یافته است والا حقوق جزا در قالب تعریفی عمومی و غیرشخصی جرم انگاری می‌کند. در علوم جنایی تجربی به جای سرقت با سارق سروکار داریم و به تعداد سرقت‌ها، سارق داریم و هیچکدام شبیه دیگری نیست. در علوم جنایی تجربی هدف ما بررسی سارقین از لحاظ خصوصیات روانی، شغلی و سنی ... است. علوم جنایی حقوقی از بحث ما خارج است و ما به علوم جنایی تجربی توجه داریم.

شاخه‌های تکمیلی علوم جنایی حقوقی: (حقوق جزای بین‌الملل) دو شاخه دارد:

۱- شامل قوانین داخلی که یک عنصر خارجی در آن وجود دارد و همچنین شامل قوانین و مقرراتی که شامل استرداد، معاضدت قضایی و پلیسی است.

۲- حقوق بین‌الملل جزا شامل جرایمی می‌شود که براساس اسناد بین‌المللی، نظم جهانی را مورد تهدید قرار می‌دهد.

حقوق جزای منطقه‌ای، شامل قواعد و مقرراتی می‌شود، در قالب اسناد منطقه‌ای

پیش‌بینی شده‌اند و نظم منطقه‌ای را به هم می‌زند مانند اکو، اتحادیه اروپا و ...

حقوق جزای فنی (خاص): شامل قوانین و مقررات و رویه قضایی راجع به یک

دست‌آورد خاص یا ارزش جدید که به لحاظ فنی - تخصصی بودن آن مستلزم یک

۹۶۴ مباحثی در علوم جنایی

برخورد متفاوت‌ای نسبت به برخورد جرایم عمومی است مثلاً اطفال از کبار جدا می‌شوند. اطفال مجرم نباید مشمول مقررات کبار قرار گیرند چه از لحاظ آیین دادرسی، چه از لحاظ قانون و ... این حقوق کیفری اطفال نامیده می‌شود. ارزش‌هایی در تکنولوژی اطلاعات داریم مانند جرایم اینترنت، رایانه و ... که توجه خاصی را می‌طلبند. جرایم کامپیوتری به سه دسته‌اند:

۱- گاه مجرمین از رایانه برای ارتکاب جرایم متعارف استفاده می‌کنند مانند جعل

۲- گاه خود رایانه موضوع جرم است مانند سرقت دستگاه رایانه

۳- زمانی است که جرایم مرتبط و خاص رایانه در ذهن اشخاص خطور پیدا می‌کند و اتفاق می‌افتد، ورود عمده به فضای مجازی دیگری (cyber space) که به آن Hacking گویند.

علوم جنایی تجربی به دو نوع علوم تفکیک شده‌اند:

الف - یک سلسله از علوم به عنوان نهادهایی از آیین دادرسی در خدمت دستگاه کیفری‌اند که به آن علوم جرم‌یابی گویند (پزشکی قانونی، پلیس علمی و ...) تفکیک جرم از غیر جرم به عهده این علوم است.

ب - علوم تحلیلی یا علوم تفسیری در واقع ناظر به بررسی ماهیت جرم آنگونه که اتفاق افتاده از طریق بررسی و مطالعه مجنی‌علیه و مجرم است که سه رشته دارد:

۱- جرم‌شناسی ۲- کیفرشناسی ۳- جامعه‌شناسی کیفری

بررسی جرم آنطور که اتفاق افتاده است فارغ از متون قانونی را علوم جنایی تجربی گویند. علوم اثبات‌کننده و تفسیری، جرم را در عمل بررسی می‌کنند.

جرم‌شناسی دو جنبه نظری و کاربردی دارد:

الف - جرم‌شناسی عمومی شامل نظریه‌ها و اصول مستنبط از مطالعات میدانی است.

جرم‌شناسی ۹۶۵

جرم‌شناسی اختصاصی شامل رویکردهای مختلف جرم‌شناختی به تحلیل و ماهیت و علت جرم است که شامل روان‌شناسی جنایی، زیست‌شناسی جنایی، جامعه‌شناسی جنایی است.

جرم‌شناسی عمومی شامل نظریات ناشی از مطالعات میدانی است. این جرم‌شناسی شامل اصول و نظریاتی است که از مطالعات به دست آمده است مانند تعارض‌های فرهنگی، ...

ب - کیفرشناسی، شامل مطالعه چگونگی اجرای مجازات‌ها و برآورد نتایج آنهاست.

ج - جامعه‌شناسی کیفری، شامل بررسی نهادهای حقوق‌جزا از زاویه جامعه‌شناختی می‌شود و شامل کارکرد و عملکرد نهادهای مختلف حقوق‌جزا در بونته عمل است. مثلاً در مورد زندان عقیده بر اصلاح و جلوگیری از جرم می‌کند. از دید جامعه‌شناسی کیفری بررسی می‌کنیم که این دیدگاه قانونگذار در جامعه چگونه است و چقدر منطبق با واقعیت‌هاست.

در علوم جنایی دو شاخه دیگر به نام فلسفه کیفری و سیاست جنایی وجود دارد. عده‌ای دیگر علوم را به دو دسته علوم جنایی و علوم جرم‌شناختی تقسیم می‌کنند. علوم جنایی به دو دسته تقسیم می‌شوند.

۱- علوم جنایی به معنای دقیق کلمه / علوم کیفری

۲- علوم جرم‌شناختی

براساس دیدگاه‌های مؤلفین اینکه به کیفر توجه کنند یا جنایت (جرم) قید جنایی یا کیفری به کار می‌رود. عده‌ای معتقدند وجه فارغ حقوق‌جزا از سایر رشته‌ها مجازات است چرا که جنبه الزامی و تهریبی و آزار دهنده دارد و سایر ضمانت اجراها این خصایص را ندارند. این دسته از مؤلفین عنوان حقوق کیفری را برگزیده و به کیفر توجه کرده‌اند، البته آنها جرم را هم بررسی کرده‌اند و برخی مؤلفین وجه

۹۶۶ مباحثی در علوم جنایی

مشخصه را، جرم دانسته‌اند و آنرا شامل نقض اساسی‌ترین هنجارها دانسته‌اند که این هنجارها دارای ضمانت اجرا و کیفر هستند. و آنها این رشته را حقوق جنایی نامیده‌اند. معادل علوم جنایی، Science Criminelle است و علوم کیفری Science Pénale است. در عمل این دو تفاوت ندارند و از یک چیز صحبت می‌کنیم.

علوم جنایی رشته‌های حقوقی مربوط به جرم را شامل می‌شود مانند آیین دادرسی کیفری، جزای عمومی و اختصاصی و ...

علوم جرم‌شناختی شامل بررسی عملی و تجربی جرم است از زاویه جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و زیست‌شناسی

۳- در کنار این دو رشته، مؤلفین علوم جرم‌یابی را مطرح می‌کنند و این علوم در خدمت مراحل مختلف آیین دادرسی کیفری هستند که خود بهره گرفتن از علوم تجربی برای حل معمای جرم در دستگاه قضایی است مانند پلیس علمی، سم‌شناسی و انگشت نگاری و ...

پس جرم‌شناسی، رشته مطالعاتی چند مبنایی است و از رشته‌های دیگر و مطالعات دیگر بهره می‌برد. جرم‌شناسی از علوم مرکب است، علمی که در آغاز تولد از دستاوردهای رشته دیگر استفاده کرده ولی جذب در آن رشته‌ها نشده‌اند و دستاوردهای رشته‌های دیگر را بومی و برای خود کرده‌اند و علوم و رشته‌های منفکی را بوجود آورده‌اند.

فاصله گرفتن و دور شدن از هنجارها معادل Ecart aux normes است که بار کیفری و حقوقی ندارد. نقض هنجار، بار دستوری یا هنجاری دارد. دور شدن از هنجارها اصطلاح بی‌طرف و خنثی است و به معنای انحراف و جرم است. انحراف نقض هنجارهای اجتماعی است ولی بار حقوقی ندارد. کج‌روی و انحراف در حقوق جایگاه ندارد. (جرم و انحراف در اینکه هر دو پشت کردن به هنجارهای اجتماعی است، مشترکند ولی جرم دارای پاسخ اجتماعی است که عنوان کیفر دارد ولی پاسخ

جرم‌شناسی ۹۶۷

انحراف و کج مداری مذمت و سرزنش اجتماعی است و بعد غیرکیفری دارند) Ecart aux normes را معادل پدیده مجرمانه نیز به کار برده‌اند. (Phenomene Criminel پدیده مجرمانه)

ویژگی‌ها و آورده‌های جرم‌شناسی

از این طریق در پی نشان دادن استقلال جرم‌شناسی هستیم، اگر چه این رشته با سایر رشته‌ها مرتبط است.

۱- جرم‌شناسی مفاهیم و اصطلاحات و روش خاص خود را دارد. این اصطلاحات در بستر جرم‌شناسی، مفهوم خاص و تخصصی خود را دارد. مثلاً بزهکاری اصطلاحی است که در روزنامه نگاری و در کلاس حقوق‌جزا هم به کار می‌رود ولی بزهکاری معادل *délinquance* است که برداشت عمومی آن یعنی جمع جرایم صرف نظر از جرم ارتكابی است یعنی جرایمی که در دنیای واقع رخ داده است و نه آنچه در قانون ذکر شده است. در معنای دیگر، بزهکاری یعنی مجموع جرایمی که در زمان معین و در مکان مشخص رخ می‌دهد مثلاً در سال ۱۳۷۹ جرایمی که در جغرافیای ایران رخ داده است. آقای کاریو معتقد است. باید قائل به تفکیک شویم و جرایم را بر حسب شدت تقسیم‌بندی کنیم چرا که بزهکاری ویژگی جرایم را نشان نمی‌دهد:

الف - کلیه جرایم و از نوع جنایی را جنایتکاری بنامیم. جنایتکاری شاخه‌ای از بزهکاری است، یعنی مجموع جرایم شدید یا جرم بزرگ.

ب - از نظر شدت، جرایم متوسطی وجود دارند که جنبه است که به آن جنبه‌کاری می‌گوئیم.

ج - جرایم از نوع خفیف که معمولاً در آمار جنایی منعکس نمی‌شود که به آن خلاف گویند و مجموع آن خلاف کاری است.

۹۶۸ مباحثی در علوم جنایی

در حقوق‌جزا از جرم و بزه یاد می‌شود. اصطلاح مجرم به عادت و بزهکار پایدار و بزهکار مزمین معادل آن چیزی است که در حقوق‌جزا، بزهکار مکرر خوانده می‌شود.

در حقوق‌جزا از تکرار کننده جرم سخن می‌گوئیم ولی در جرم‌شناسی از بزهکاری مزمین یاد می‌شود.

جرم‌شناسی به عنوان رشته مستقل مفاهیم خاص خود را دارد که در رشته‌های دیگر معنای دیگری دارد.

۲- در توصیفاتی که برای مطالعات و تحقیقات خاص این رشته به کار می‌رود

مثلاً وقتی می‌گوئیم شخصیت جنایی می‌خواهیم از مفهوم خاصی یاد کنیم یا وقتی می‌گوئیم انگیزه مجرمانه می‌خواهیم قصد مجرمانه را معلوم کنیم. وقتی از فرایند ارتکاب جرم یا فرایند جنایی یا فرایند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه سخن می‌گوئیم به دنبال اتفاقات خاصی هستیم. در فرایند گذار از اندیشه به عمل، جرم‌شناس مانند فیلم برداری است که نقطه تکون و آغاز جرم را فیلم‌برداری می‌کند تا ارتکاب جرم، این مراحل پروسه جنایی را برای ما مشخص می‌کند ولی در حقوق‌جزا، حقوق‌دان کیفری مانند عکاسی است که در نقطه تحقق جرم، عکس‌برداری می‌کند و به انگیزه‌ها و گذشته مجرم توجه ندارد. حقوق‌جزا، زمان وقوع جرم را مهم می‌داند و با این واقعه که رخ داده تصمیم می‌گیرد. حقوق‌جزا تحت تأثیر جرم‌شناسی در اینجا رقیق شده و در جهت فردی کردن مجازات به پروسه جنایی توجه می‌کند که از باب حکمی است که قانون برای او تعیین کرده است.

جرم‌شناسی به اقتضای رسالت خود روش‌های خاص خود را دارد که در حقوق‌جزا نیست و روش استقرائی است که از کلیت به مورد و از مورد به کل می‌رود.

۳- دانش جرم، بررسی چرایی جرم و علل جرم، صرفاً در انحصار و اقتدار جرم‌شناسی است. رشته دیگری جرم را از لحاظ علت بررسی نمی‌کند. در کنار جرم‌شناسی، رشته‌های آسیب‌شناسی اجتماعی یا جامعه‌شناسی انحراف وجود دارد که آنچه را ما حالت خطرناک می‌نامیم به عنوان آسیب اجتماعی بررسی می‌کنند که در حقوق جزا جایگاه ندارد و اگر به عنوان جرم در حقوق جزا مورد توجه قرار گیرند، جرایم مانع باز دارنده‌اند که فی حد ذاته جرم نیست و استمرار آنها فرد را به سوی جرم سوق می‌دهند مانند ولگردی، تکدی، حمل اسلحه. این موقعیت از این جهت جرم‌انگاری می‌شود که دارنده این حالت، جرم مرتکب نشود. (Délit obstacle یعنی جرم مانع یا جرم بازدارنده) عمل را جرم می‌دانیم که اعمال مجرمانه دیگر رخ ندهد. آنچه که عنوانش جرم است به جزء خلاف، سایر جرایم از لحاظ علت‌شناسی و تکون، موضوع جرم‌شناسی است.^۱

۴- کارکرد انتقادی جرم‌شناسی حائز اهمیت است که در ایران مغفول مانده است. در ایران، جرم‌شناسی علم علل جرم معرفی می‌شود. که دارای توفیق نسبی بوده است. علت‌شناسی یکی از رسالتهای این رشته است. رسالت دیگر آن، اینست که رشته‌ای است انتقادی. جرم‌شناسی هم نوا با آنچه وجود دارد نیست و واقعیت‌ها مجرمانه را نشان می‌دهد که برخی حاصل مدیریت رؤساست که اینها را به رخ آنها می‌کشد و خلاها را نشان می‌دهد. جرم‌شناس قوانین را رعایت می‌کند ولی همواره به آن اعتراض و انتقاد می‌کند و در جهت بهتر کردن قانون است. در اینجا قوانین جرم‌زا حائز اهمیت است. چگونه ممکن است قانونی که وضع شده که با جرم مبارزه کند خود جرم‌زا شود؟ قانون فی حد ذاته کارکردش حمایت از جامعه و پس زدن مجرمین

۱. در این خصوص ر.ک. بابایی (محمدعلی)، تحولات جرم‌شناختی- حقوقی مفهوم حالت خطرناک، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، پاییز ۱۳۸۳.

است و مبارزه با خصم داخلی است. جرم‌شناسی با مطالعات خود به این نتیجه رسیده که قوانینی که از مجلس می‌آید و ساخته دست بشر است، مبرا از ایراد و تالی فساد نیست و جرم‌زاست ماده ۶۳۰ ق.م.ا درباره کشتن زن در فرارش است. چه بسا مردان بی‌تقوایی که از این مستمسک قانونی استفاده کنند برای اینکه از دست همسر خود رهایی یابند. ماده ۲۹۶ در مورد مهدورالدم بودن که مجازات ندارد، مستمسک ضرب و جرح عده‌ای است. قانون منع استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای از قوانین جرم‌زاست که باب رشوه و سواستفاده مامورین بی‌تقوا و باب بازار سیاه را باز می‌کند. قوانینی که بدون مطالعه و بدون برآورد موقعیت و مجرمین نوعی آن عمل و در چارچوب احساسات و معادلات گروهی و حزبی نوشته می‌شود، تالی فاسد دارد. قانون فرهنگ ساز است و حائز اهمیت است.

بعد انتقادی جرم‌شناسی مهم است که همواره در مقام برآورد و بیلان‌گیری از نهادهای حقوق جزا از قانونگذاری تا مرحله اجرای حکم است. جرم‌شناسی یعنی جرم‌شناسی علمی که نقش محقق بالینی در حداقل باشد جرم‌شناس احساسات خود را در تحقیق نباید وارد کند و نتایج تحقیقات و آمار را بیان کند.^۲

جرم‌شناسی به عنوان شاخه‌ای از علوم مرکب

جرم‌شناسی علم چهارراهی یا چند مبنائی گویند زیرا جرم‌شناسی علمی به هنگام پیدایش که حدود ۱۲۰ سال پیش اولین جلوه‌های خود را نشان داد از ترکیب و تلفیق رشته‌های مختلف علوم انسانی مانند انسان‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و پزشکی بوجود آمد. هر علمی در آغاز تولد چهارراهی بوده و از رشته‌های مختلف سیراب شده است. داده‌ها، روش‌ها و دستاوردهای رشته‌های مختلف را جذب و

۱. (برای اطلاع بیشتر از شاخه‌های علوم جنایی به مقاله استاد در مجله تحقیقات حقوقی شماره ۳۲-

۳۱ تحت عنوان تحولات علوم جنایی مراجعه کنید)

جرم‌شناسی ۹۷۱

استفاده کرده است. لیکن آن رشته رنگ نباخته و دستاوردهای رشته دیگر را بومی خود کرده و بنابراین منطبق با رسالت خود کرده است به طوری که بتواند در مقام علت‌شناسی جرم و حل ماهیت جرم از آنها استفاده کند. آقای ادوین فرای، جرم‌شناسی را تعبیر به یک اتاق علمی تهاتر کرده است. در این اتاق، جرم‌شناسی بده و بستان دارد و زمینه استقلال خود را فراهم آورده است و از رشته‌های مختلف استفاده کرده و امروزه رشته‌های جرم‌شناسی جامعه‌شناختی، جرم‌شناسی روان‌شناختی و جرم‌شناسی زیست‌شناختی و ... داریم. مثلاً جرم‌شناسی جامعه‌شناختی روش مطالعه خود را از جامعه‌شناسی گرفته است. از آمار جنایی، مصاحبه، پرونده خوانی و ... استفاده می‌کند.

جرم‌شناسی علمی است که از رشته‌های دیگر متاثر شده است که موضوع یا روش یا رویکرد خود را از آن رشته‌ها گرفته است.

پرفسور الن برگر کانادایی معتقد است در کنار علوم محض (ریاضی و شیمی، ...) علمی وجود دارد که مرکب‌اند و شامل سلسله‌ای از وقایع‌اند و فردی‌اند و به صورت جمع با هم، در عین استقلال، ربط دارند. این علوم مرکب، پنج خصیصه دارد که جرم‌شناسی یکی از آن رشته‌هاست.

علوم مرکب چند مبنایی‌اند. این اصطلاح را اولین بار الن برگر (بررژه) به کاربرد و مراد او این بود که این رشته مانند سایر علوم در آغاز از رشته‌های دیگر استفاده کرده است، بدون اینکه طبیعت اصلی و استقلال خود را از دست بدهد. مثلاً در جرم‌شناسی، روش‌های خود را از جامعه‌شناسی گرفته است و آمار ریاضی را به آمار جنایی تبدیل کرده است. آمار جنایی فصلی از جامعه‌شناسی جنایی است. مرحوم ژان پیناتل آنرا علم چهارراهی می‌داند. جرم‌شناسی، موضوع خود را از حقوق می‌گیرد. جرم‌شناسی در این تعامل اصالت خود را از دست نداده و حتی امروزه بی‌نیاز از رشته‌های مادر خود نیست و اگر در آن رشته‌ها تحول رخ داده باشد، جرم‌شناسی از

۹۷۲ مباحثی در علوم جنایی

آن استفاده می‌کند و ارتباط خود را با رشته‌های مادر حفظ کرده است. امروزه در پرتو تکنولوژی‌های نوین، در کنار فضای طبیعی انسان می‌تواند، فضای مجازی داشته باشد مثلاً در اینترنت، برای خود پایگاه اطلاعاتی درست می‌کند. در فضاهای طبیعی قواعد و مقررات حقوقی وجود دارد ولی امروزه جرم‌شناسان با جرایم جدید به عنوان جرم دسترسی و نفوذ غیرمجاز در فضای دیگر در اینترنت (hacking) مواجه‌اند. (ورود به فضاهای مجازی بانک‌ها و موسسات اعتباری در رایانه و اینترنت از این دسته است) جرم‌شناسی به موازات تحولات جدید در حال تحول است. جرم‌شناسی امروزه لاجرم باید از فن‌آوری نوین اطلاع پیدا کند و مجهز به تکنولوژی‌های نوین شود. جرم‌شناسی برای علت‌شناسی جرم جدید دیگر نمی‌تواند با اطلاعات سنتی به آن بپردازد و باید اطلاعات جدید داشته باشد.

ویژگی‌های علوم مرکب

۱- علوم مرکب در یک چهارراه قرار دارند، بدون اینکه هویت خود را از دست بدهند ولی یک نوع همبستگی با آنها می‌یابند: پزشکی به مهندسی، فیزیک، شیمی و ... متکی است. در جرم‌شناسی نیز جرم‌شناسی جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، انسان‌شناسی، ژنتیک، آمار، ریاضی و ... متکی است ولی جرم‌شناسی با توجه به نیاز خود موضوعات و روش و رسالت خود را از این رشته‌ها گرفته و آنها را بومی و از آن خود کرده و جرم‌شناسی جامعه‌شناختی داریم و خصیصه جرم‌شناسی بر آن جامعه‌شناسی حاکم است و جرم‌شناسی انسان‌شناختی داریم و ...

۲- رشته‌های تشکیل دهنده علوم مرکب همزمان نظری و همزمان جنبه عملی

دارند. علوم مرکب اصولاً بدون فایده عملی قابل تصور نیست. جرم‌شناسی علت وجودی‌اش درمان و اصلاح بزهکاران، ایجاد اصلاح در قانونگذاری و کیفر و ارزیابی و سنجش نهادهای حقوقی است و تئوری محض نیست.

جرم‌شناسی ۹۷۳

۳- این علوم نه صرفاً عام و نه صرفاً خاص است یعنی بین خاص و عام و جزء و کل در رفت و آمدند و از آن تغذیه کرده و بارور می‌شوند مثلاً در علم پزشکی از طریق مطالعات بالینی و جمع‌آوری یک سلسله اطلاعات از طریق تست، مشاهده و معاینه، اطلاعات جزء را به آزمایشگاه آورده و با توجه به آنها راه حل کلی تجویز می‌کند و سپس این راه حل کلی تبدیل به دارو می‌شود و به کلیه بیمارانی که دارای همان علائم بیماری‌اند تجویز می‌شود و توزیع بین جزء می‌شود و پزشک واکنش بیماران را بررسی (برون داد) می‌کند و برون داد در آزمایشگاه بررسی می‌کند و به داروی جدید تبدیل می‌شود. در جرم‌شناسی نیز، زندان را تشبیه به کلینیک جرم کرده‌اند و جرم‌شناس را به متخصص آزمایشگاه تشبیه کرده‌اند و معتقدند محصول جرم‌شناسی در درمانگاه جرم (زندان) از طریق کاهش تکرار جرم یا افزایش آن برآورد می‌شود. آئین نامه سازمان زندان‌ها، در ماده ۲، رسالت کیفر حبس را اصلاح آسیب‌های اجتماعی و درمان و اصلاح محکومین و مستعد کردن بازگشت آنها به جامعه می‌داند و رسالت کاملاً پزشکی است که گاه فرهنگی، گاه اخلاقی و گاه جسمانی و گاه روانی و ... است. در این آئین‌نامه به این منظور، بخش‌های مختلفی پیش‌بینی شده است. منشا ماده ۲، قسمت دوم بند ۵، اصل ۱۵۶ قانون اساسی است. یکی از وظایف قوه قضائیه، پیشگیری و اصلاح است. در سازمان زندانها، چند نوع زندان و چندین نوع رژیم اجرایی حبس (بسته - نیمه باز - باز) وجود دارد. از سوی دیگر، در این ماده، مراکز دیگر که در حکم زندان هستند مانند کانون اصلاح و تربیت، اردگاه‌های اجباری و ... معرفی شده‌اند.

در این آئین‌نامه، امکان فردی کردن مجازات وجود دارد (سه نوع فردی کردن وجود دارد: تقنینی، قضائی، اجرائی) و یک سیاست جنایی افتراقی درباره مجازات حبس دارند. (قطعنامه ۱۹۵۵ شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل - قواعد حداقل سازمان ملل متحد) در کنار این موسسات، در آئین‌نامه سازمان‌ها، شوراهای

۹۷۴ مباحثی در علوم جنایی

مختلفی پیش‌بینی شده است. قسمت پذیرش و تشخیص و قسمت شورای طبقه‌بندی زندانیان.

ابتدا، حدود یکماه، محکوم در قسمت پذیرش و تشخیص نگه‌داری می‌شود و پرونده شخصیت برای او تشکیل می‌شود که اطلاعاتی درباره خانواده او، شغل، استعداد و ... او وجود دارد. این پرونده به شورای طبقه‌بندی زندانیان می‌رود و نقش جرم‌شناس معلوم می‌شود. با توجه به ویژگی و مشخصات محکوم، او به یکی از مراکز ده‌گانه ارسال می‌شود و این یک نوع جرم‌شناسی بالینی است چرا که پرونده شخصیت اطلاعاتی در اختیار ما قرار می‌دهد که جرم‌شناس تشخیص می‌دهد به کدام زندان برود. یا توزیع و تقسیم زندانیان، جرم‌شناس واکنش محکوم را به فردی کردن اجرای حبس برآورد می‌کند که تا چه اندازه تشخیص متناسب و خوب بوده است. نتیجه تحقیق یک سلسله اطلاعات می‌شود. که جرم‌شناس در مرکز تحقیقاتی خود مطالعه کرده و چه بسا راه حل جدیدی را پیشنهاد دهد و آنرا برای تست به زندان‌ها بفرستد.

علوم مرکب انتزاعی نیستند و اطلاعات خود را از طریق جزئیات بررسی می‌کنند و روش خود را با واقعیت‌ها منطبق می‌کنند.

در زندان‌ها نهاد مراقبت بعد از خروج وجود دارد. این مربوط به مرحله ترخیص محکوم است. کسی که مدتی زندان بوده و ناگهان وارد جامعه می‌شود، از سوی نزدیکان طرد می‌شوند و در واقع محکومین به حبس دو نوع مجازات می‌بینند، یکی مجازات قانونی و دیگر مجازات‌هایی که پاسخ جامعه‌اند (مجازات‌های کمانه‌ای) مراکز مراقبت بعد از خروج نقش پل ارتباطی بین جامعه بسته زندان و جامعه باز شهر و روستا را تشکیل می‌دهد و ورود موفقیت‌آمیز محکوم را چند ماه قبل از ترخیص از زندان آماده می‌کند و مدتی بعد از ترخیص، محکوم را دنبال می‌کند. آیین‌نامه سازمان زندانها، دقیقاً از اصول و رهنمودهای جرم‌شناسی بالینی الهام گرفته است. جرم‌شناسی

بالینی از پزشکی الهام گرفته است سازمان بررسی می‌کند تا چه اندازه رژیم اعمال شده، موثر بوده است و در پرتو این اطلاعات، رژیم‌ها را اصلاح می‌کند.

۴- در کنار علمی بودن این علوم مرکب و در کنار دارا بودن اصطلاحات علمی و تخصصی، دارای اصطلاحاتی‌اند که دارای قضاوت ارزشی‌اند و حدود و ثغور آن معلوم نیست. در علوم پزشکی سخن از شفا، درمان، بیماری و .. گفته می‌شود ولی این اصطلاحات حاصل قضاوت‌های ارزشی در جامعه‌اند. این قضاوت ارزشی در مقابل اصطلاحات علمی‌اند. در جرم‌شناسی مفاهیمی که حاصل قضاوت‌های ارزشی‌اند وجود دارند مانند حق و ناحق، مجازات، جرم و ... مجازات اعتباری است. قضاوت‌های ارزشی از ویژگی‌های علوم مرکب‌اند.

۵- علوم مرکب، تابع یک نوع اخلاق‌اند. این اخلاقیات، حرفه ای - فنی Ethique/Ethics نامیده می‌شوند. در پزشکی، مرکز اخلاقیات پزشکی وجود دارد و پزشک به نام معاینه بیمار نمی‌تواند هر کاری انجام دهد، کرامت بیمار مانع از انجام این کارها می‌شود. در جرم‌شناسی نیز اخلاق وجود دارد که به سلوک اخلاقی ترجمه شده است. لزوماً اخلاقیات دینی نیست بلکه رعایت اصولی است که اجتماعی و همه پسند است. در جرم‌شناسی به نام تنبیه مجرم نمی‌توان با او هر رفتاری داشت یا مجازات مضاعف را تحمیل کنیم (Peine double) مجازات مضاعف غیراخلاقی است. در جرم‌شناسی به نام پیشگیری از جرم نمی‌توان و نباید وارد خلوت افراد و مداخله در حریم خصوصی آنها شد. ایراد عمده پیشگیری وضعی اینست که متضمن، تاسیس یک جامعه دژگونه و پادگانی است و همواره اشخاص باید اقدامات تأمینی انجام دهند.

جرم‌شناسی، شامل مجموعه روش‌ها، دیدگاه‌ها، یافته‌ها و شناخت‌های تلفیق شده و عجین شده با هم در ارتباط با پدیده مجرمانه و شناخت معضل بزهکاری و پیشگیری از آن است و به اقتضای تغییرات و تحولاتی که در این روش‌ها و دیدگاه‌ها

و یافته‌ها در رشته‌های مادر جرم‌شناسی رخ می‌دهد، جرم‌شناسی متحول می‌شود. پس جرم‌شناسی به عنوان رشته‌ای مرکب در معرض تحول است والا با روش‌های متعارف قدیمی نمی‌توانست اطلاعات جدید در مورد بزهکاری در اختیار ما قرار دهد.

کنترل اجتماعی و واکنش اجتماعی

در هر جامعه‌ای که عده‌ای دور هم جمع می‌شوند، برای ادامه حیات در مقطعی چه به صورت قانون و چه به صورت نانوشته در قالب عرف و عادت، یکدیگر را مقید به رعایت یک سلسله قواعد می‌کنند و هر شهروند دارای حقوق و تکالیفی است. حقوق نسبت به کدخدا و دولت و ... و تکلیف نسبت به جامعه و دولت و ... اگر جامعه مانند دایره‌ای باشد، در گام اول وضع مقررات و قانونگذاری و ارزش‌گذاری وجود دارد. در لسان امروزی به آن دوره قانونگذاری گفته می‌شود. بعد از این مرحله، عده‌ای از جامعه و اقلیتی همواره منافع خود را برعکس اکثریت، در نقض مقررات و قوانین می‌دانند و با نقض مقررات منافع خود را تأمین می‌کنند و اگر مقررات دارای ضمانت اجرای کیفری باشد، جرم نامیده می‌شود و اگر دارای ضمانت اجرای مدنی باشد، نقض آن باعث فسخ، بطلان و ... می‌شود (جرم مدنی) و اگر جنبه اداری داشته باشد، به آن تخلف (جرم اداری) گویند که انفصال و ... دارد و پاسخ اداری به جرم اداری است. جامعه نمی‌تواند اجازه دهد، موارد نقض مقررات کیفری شیوع پیدا کند. پس در گام سوم، جامعه واکنش نشان می‌دهد که در گام اول یا پیش‌بینی شده یا خودجوش است. در برخی مناطق ایران، هنوز وقتی جرمی مانند قتل رخ می‌دهد، به مجازات دولتی اعتنا نمی‌کنند و سازوکارستی دارند. (آئین خون بس) این ساز و کارهای مدنی حکایت از آن دارند که در کشور ما، در کنار عدالت کیفری عمومی، ساز و کارهای مدنی وجود دارند. این عرضی است و با هم همزیستی دارند، پس بحث

جرم‌شناسی ۹۷۷

نظریه تکامل جزایی که معتقد است، مراحل طولی است، اینگونه نیست. واکنش‌های علیه جرم یا جنبه رسمی (پاسخ دولتی) است یا پاسخ جامعه‌ی است. برخی پاسخ‌های جامعه، گاه جرم است. این سیکل یا دایره جنایی در هر کشور همزمان وجود دارد و این مراحل سه گانه با هم در ارتباطند و بر هم تاثیر و تاجر دارند و در تعامل با هم متحول می‌شوند مثلاً تعداد جرایم در قانون افزوده می‌شود و تعداد مجرمین افزایش می‌یابد و واکنش‌ها افزایش می‌یابند.

حال، اگر بپذیریم که این سیکل جنایی از سه پدیده قانونگذاری، جرم و واکنش اجتماعی تشکیل شده و این سه ساز و کار در تعامل با هم‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که برای علت شناسی جرم، باید در جرم‌شناسی نیز دامنه مطالعات خود را باز کنیم و اگر مطالعات تاکنون روی جرم یا مجرم بوده است، از این بعد، چگونگی قانونگذاری و مراحل جرم‌انگاری را نیز مورد مطالعه قرار دهیم. باید به پاسخ‌های جامعه نیز توجه کرد. پس دیگر قلمرو جرم‌شناسی صرفاً جرم و مجرم نیست و به ناچار باید کار قانونگذار را مورد توجه قرار داد و قوانین جرم‌زا را بررسی کرد. از طرفی باید موارد کنترل اجتماعی جرم نیز که به جرم دامن می‌زند، مطالعه شود و مطالعه مجازات و واکنش علیه جرم و کارایی مجازات‌ها و انواع کنترل اجتماعی جرم، همگی می‌تواند موضوع مطالعه جرم‌شناسی قرار گیرد تا به چرایی جرم پی ببریم، در جرم‌شناسی‌های واکنش اجتماعی این موضوع اول بار مطرح شد.

پس ابتدا در مورد کارایی کنترل‌های اجتماعی جرم (کارایی مجازات، خانواده و ...) و سپس در بخش دوم، واکنش اجتماعی علیه جرم (نهادهای حقوق جزا) سخن خواهیم گفت.

گفتار اول: کارایی کنترل‌های اجتماعی جرم

در جرم‌شناسی ما، واکنش و ایستار بزه‌کاران را نسبت به کنترل‌های اجتماعی بررسی کنیم. ببینیم بزه‌کاران برداشت و تجربه‌اشان درباره جرم و مجازات چیست. مجرمین

۹۷۸ مباحثی در علوم جنایی

چگونه نسبت به انواع پاسخ‌های جرم و کنترل اجتماعی خود را منطبق می‌کنند و رفتار خود را با تابعی از مجازات‌ها منطبق می‌کنند. هدف ما بررسی ارزش و اعتبار علمی کلیه وسایل و امکاناتی است که در قالب اقدامات کیفری و غیرکیفری برای مبارزه علیه بزهکاری از آن استفاده می‌شود.

کنترل اجتماعی - بازرسی اجتماعی - را اما نمی‌توانیم به عنوان جرم‌شناسی تنها در ضمانت اجرای کیفری محدود کنیم و در سیاست جنایی ضمانت اجرای کیفری اگر چه هسته مرکزی سیاست جنایی است لیکن کل استراتژی مبارزه با جرم و سیاست جنایی نیست. کنترل اجتماعی شامل یک سلسله اقدامات عمومی و تدابیر خصوصی علیه بزهکاری است. پس در مبارزه علیه بزهکاری بخش عمومی - دولت - و بخش خصوصی - جامعه مدنی و تشکلات غیردولتی - مستقلاً یا با مشارکت هم علیه بزهکاری اقدام می‌کنند. کنترل اجتماعی جرم از یک سو شامل وسائل و ابزار قهرآمیز و اجباری - پلیس، دادگاه و ... می‌شود و از طرف دیگر، نهادهایی چون دفاع شخصی از خود، تامین امنیت خود بوسیله خود ... در بر می‌گیرد.

بدیهی است که در کنار دفاع شخصی (auto-défense) از خود که یک نهاد بیشتر خود جوش مردمی است در حقوق دفاع مشروع (Self , légitime défense) (defence) است که آثار و قیود خاصی دارد حال چگونه این دو را از یکدیگر تفکیک کنیم؟ این سوال مهم است چرا که همانطور که دفاع مشروع از عوامل موجهه جرم است، دفاع شخصی از خود می‌تواند تبدیل به یک عمل مجرمانه شده و مسئولیت کیفری داشته باشد، دفاع شخصی از خود می‌تواند دو شکل داشته باشد. اگر این دفاع جنبه انفعالی و منفعل داشته باشد، اشکالی ندارد مانند کشیدن نرده دور خانه، استخدام سرباز و ... ولی هرگاه دفاع شخصی جنبه فعال به خود بگیرد و لذا برای جرم که علیه شما و اموال شما رخ دهد، شما متوسل به استفاده از اسلحه شوید یا اسلحه

بخرید یا در سیم‌ها برق وارد کنید و ... اینجا شما به مجرم تبدیل می‌شوید و دفاع مشروع نیست. امروزه در کشورهای صنعتی دنیا به لحاظ خشن شدن بزهکاری اطفال، دولتها علیه رغم زرادخانه کیفری خود موفق به تامین امنیت جانی و مالی افراد نمی‌شوند، به همین خاطر مردم به صنعت امنیت خصوصی متوسل می‌شوند و در کنار امنیت عمومی، ما شاهد ظهور صنعت تامین امنیت در بخش خصوصی هستیم و بنابراین موارد سواستفاده بخش خصوصی از اسلحه و دستبند و ورود کارگاهان خصوصی در حریم خصوصی افراد و ... باعث ظهور جرایم جدیدی شده است. نمونه بارز آن در آمریکا، بحث خصوصی سازی زندانهاست و سپردن مدیریت زندانها به بخش خصوصی برای صرفه جوئی در بودجه عمومی. این بحث تفکیک دفاع مشروع و دفاع شخصی از لحاظ سیاسی مهم است چرا که تامین امنیت از خصوصیات حاکمیت دولتهاست و حق تنبیه کردن و ... از خصایص حاکمیت ملی است اگر بر اقدامات دفاع شخصی عنوان مجرمانه بار شود، این عمل دیگر دفاع شخصی فعال است.^۱

پس یک طرف کنترل اجتماعی نهادهای کیفری‌اند و در طرف دیگر نهادهای غیر کیفری‌اند:

۱- دفاع شخصی

۲- ضمانت اجراها و پاسخ‌های خانوادگی، انضباطی، انتظامی، اداری و صنفی به عنوان مثال، شما در دانشکده دچار تقلب می‌شوید، در دانشگاه کمیته رسیدگی کننده، شما را ۶ ماه از درس محروم می‌کنند پس همه تخلفات و همه موارد پشت کردن به هنجارها و حتی جرائم با پاسخ و واکنشی به عنوان مجازات لزوماً روبرو و مواجه

نمی‌شوند و بسیاری از جرائم و تخلفات خارج از نظام کیفری یا با واکنش‌های غیر کیفری حل و فصل می‌شوند.

۳- شکل دیگر کنترل اجتماعی، نظارت متقابل و نظارت در و همسایه است و حرف این و آن و شایعه نیز مهم است و فشار و الزامات خود جوش و نامحسوس ناشی از هموعان، خویشان و همسایگان است (مثلاً طلاق امری مذموم است) مهار و کنترل جرم شامل، تلاش و کوشش و بسیج قوای عمومی و بخش عمومی اعم از دولت، شورای شهر و شهرداری و ... با نهادهای کاملاً غیر دولتی، می‌باشد. آیا انواع کنترل اجتماعی، قابل اجرا است؟ و آیا انواع کنترل اجتماعی موفق به جامعه عمل پوشاندن و موفق به ایجاد جامعه عاری از جرم شده‌اند و آرمان شهری به نام جرم مساوی با صفر در پرتو کنترل اجتماعی محقق شده است؟

پاسخ منفی است. تاریخ حقوق کیفری نشان می‌دهد که چهار هزار سال پیش در بین النهرین و جنوب ترکیه، که نخستین تمدن حقوق ساز و قانون ساز در دنیا بوده، جرم وجود داشته است چرا که کافی است به کدهای حمورابی، هیتی، اورنمو، اشنوناو ... رجوع کنیم، می‌بینیم که بسیاری جرائم در آنجا وجود دارد. در پاره‌ای از این مقررات در شریعت موسی و تلمود (آراء فقهای کلیمی) مقیاس و اندازه و ماهیت مجازاتها شدید و متنوع بوده‌اند.

و در عین حال جرم وجود داشته است. مجازاتها موفق به فراهم کردن یک جامعه عاری از جرم نشده‌اند (در کنترل اجتماعی جرم ما دو نوع پاسخ داریم: پاسخ‌های پیشگیرانه و پاسخ‌های سرکوبگرانه، در پاسخ‌های پیشگیرانه خانواده، مدرسه، روحانیت و ... در یک اقدام کنشی به استقبال جرم می‌روند ولی در ضمانت اجرای کیفری در یک اقدام واکنشی ابراز وجود می‌کنند. وقتی دادگاه عمومی ویژه مطبوعات در حکم خود به استناد بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، به منظور پیشگیری از جرم، دستور تعطیلی مطبوعات را می‌دهد، غیر قانونی است چرا که هنوز جرمی رخ نداده

۱. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به کتاب پاسخ‌های به خشونت ترجمه دکتر محسنی و مقاله استاد،

جرم‌شناسی ۹۸۱

که توقیف و دادگاه و ... لازم باشد. پلیس وقتی وارد عمل می‌شود که اندیشه مجرمانه محقق شود یا بیم جرم بودن آن برود. اگر اقدامات جامعه پذیر خانواده و مدارس و ... نبود، در اینصورت دادگستری در پرونده‌ها غرق می‌شد و اگر میزان جرائم بالا می‌رود، بخشی از آن ناشی از قصور حلقه‌های جامعه‌پذیر کننده است. واکنش مسبوق به کنش است. ما به عملی که بیم جرم دارد پاسخ می‌دهیم زیرا برای پیشگیری از جرائم رایانه‌ای، یک سری دستوراتی به کاربرها می‌دهیم که جرم رخ ندهد ولی در واکنش جرم رخ داده است)

انواع کنترل اجتماعی چه از نوع اقناع آور و جامعه پذیر آن و چه از نوع الزام‌آور و سرکوبگر آن موفق نشده جامعه‌ای عاری از جرم بوجود آورد. از سوی دیگر، هر قدر جرم شدید باشد- معیار مجازات است- موارد ارتکاب نادرست مانند قتل که کمتر رخ می‌دهد. پس، کنترل‌های اجتماعی جرم فی‌الواقع نه صد درصد عاری از ارزش و فضیلت‌اند پس تئوری میانه‌ای درباره مجازات‌ها مطرح شده است:

انواع کنترل اجتماعی به انتخاب بزهکار و به گزینه‌های مجرمانه بزهکار بالقوه و بالفعل جهت می‌دهد و به عبارت دیگر بزهکاران خود را با واکنشی که در انتظارشان است، منطبق می‌کنند. نظریه بنیابین کنترل اجتماعی جرم، بر این پیش‌فرض استوار است که انسان مجرم، انسانی محاسبه‌گرو معقول و سنجیده است. اگر بزهکار سنجیده باشد، رفتار مجرمانه خود را تابعی از آنچه در انتظار اوست تعیین می‌کند و خط مشی مجرمانه بزهکاران تابعی از آنچه در انتظار آنهاست، می‌باشد. بحث این نیمسال ما به نوعی، ادامه بحث جرم‌شناسی عمل مجرمانه است: در جرم‌شناسی عمل مجرمانه، محور مطالعاتی ما شخصیت بزهکار و مختل‌المشاعر و بیمار فرض کردن آن نیست و معیار ما محصول مجرم یعنی جرم ارتکابی است. جرم‌شناسی عمل مجرمانه به نوعی بازگشت به دیدگاه‌های بتنام و بکاریاست. جرم‌شناسی عمل مجرمانه بازگشت به دیدگاهی است که معتقد است بزهکار فردی انتخابگر است و دست به

۹۸۲ مباحثی در علوم جنایی

گزینش می‌زند و این انتخاب تابع شرایط زمانی و مکانی است و بنابراین پاسخ به جرم می‌تواند در این گزینش‌های مجرمانه، بزهکاری را جهت‌دهی کند و به بزهکاران جهت دهد و یک نوع تعامل و همبستگی میان واکنش‌ها و پاسخ‌ها و جرم وجود دارد.

بحث ما در دو مبحث ادامه می‌یابد که کنترل اجتماعی از راه دور را بررسی می‌کنیم که شامل ضمانت اجرای کیفری است یعنی تهدید به کیفر و مجازات عمومی و اجرای مجازات و ... و در مبحث دوم، ما کنترل اجتماعی نزدیک و هم‌جواری یا از راه نزدیک را بررسی می‌کنیم یعنی آنچه که تحت عنوان الزامات و قیودات ناشی از اطرافیان، خانواده، مدرسه و محله و ... در جهت قانونگرا بودن و تابعیت از قانون اعمال می‌شود و از پیشگیری وضعی سخن می‌گوییم. (ایراد عمده‌ای که به جرم‌شناسی عمل مجرمانه وارد شده است، اینست که بعید است جرم‌شناسی عمل مجرمانه، یک جرم‌شناسی جامع نیست. چرا که همه مجرمین، دارای سلامت روانی نیستند و از طرفی بخشی از مجرمین از نظر حقوق جزا مسئولیت کیفری ندارند (صغیر) و دیگر اینکه بخشی از مجرمین، لحظه‌ای و بدون سبق تصمیم مرتکب جرم می‌شوند و از طرفی دیگر، بخشی از جرائم غیر عمومی دارد و مبتنی بر محاسبه و ... نیست. در نهایت، در بخشی از جرائم میان بزهکار و بزه دیده رابطه قبلی وجود نداشته است و جرم مسبوق به رابطه بین دو کنشگر جرم نبوده است. مثلاً تصادف رانندگی که در مورد آن می‌توانیم آنها را تشویق به بستن کمربند کنیم و ... و در قتل زناشویی نیز باید پیشگیری کنیم مثلاً حل و فصل توسط بزرگان قوم و .. و در روابط بحرانی، نهادهای کنترل اجتماعی، صرفاً نباید کار قانونی خود را انجام دهند بلکه باید پیشگیری هم بکنند. در جرم‌شناسی عمل مجرمانه که معتقد است که بزهکار محاسبه‌گر است، این تئوری جامعی نیست و بخشی از افراد بزهکار را در بر نمی‌گیرد و بخشی از جرائم را می‌توانیم مورد مذاقه قرار دهیم و افراد بسیار باهوش و

افراد کم هوش را در بر نمی‌گیرد. در این تئوری، مجازات‌ها باید به گونه‌ای باشد که به جای وقوع جرم، تصمیم توقف و بازدارندگی اتخاذ شود باشد)

مبحث اول: کنترل‌های از راه دور (contrôle à distance)

این کنترل‌ها راجع به نظام کیفری و ضمانت اجراهای کیفری است. در مجموعه کنترل‌های اجتماعی جرم، در میان انواع کنترل‌های اجتماعی جرم، رویت پذیرترین و شناخته‌ترین آنها کیفر است. رویت پذیری یعنی *Visibilité* آن بالاست ولی در عین حال، ضمانت اجرای کیفری، اگر چه از جایگاه خاصی برخوردار است لیکن از اذهان و افکار عمومی دور است زیرا در مقایسه با تنبیه اولیاء مدرسه و در مقایسه با تنبیه والدین نسبت به فرزند خطارکار - که قابل لمس و نزدیک و فوری است - ضمانت اجرای کیفری - مجازاتها و اقدامات تامینی - برای اجرا و اعمال باید از یک سلسله تشریفات عبور کنند: اولاً قانونگذار آنها پیش‌بینی کند. ثانیاً دستگاه قضائی میزان آنها تعیین کند و بالاخره به اجرا در آید. به این ترتیب اگر جرم در نقطه الف رخ می‌دهد در نقطه د مجازات می‌شود. ایراد عمده به آئین دادرسی، اطلاع دادرسی است و اینکه میان زمان ارتکاب جرم و زمان رویت و اجرای مجازات چنان فاصله زمانی است که آن مجازات جرم ارتکابی را تداعی نمی‌کند و بنابراین افراد ذینفع در جرم و مجازات، در مرحله اجرا و رویت مجازات آن را از راه دور احساس می‌کنند. اما در عین حال، ضمانت اجرای کیفری، مهم است زیرا از یک سو، هسته اصلی سیاست جنائی کشور را تشکیل می‌دهد و بازوی مسلح نظام حقوقی کشور است و از سوی دیگر از اجزاء حاکمیت ملی دولتهاست. مجازات و ضمانت اجرای کیفری دارای رنگ سیاسی است. همانطور که دولتها در روابط خارجی خود سیاست خاصی دارند و از طریق برآورد سیاست دولتها در عرصه بین‌المللی قضاوت می‌شوند، مجازات‌ها و انواع آنها و میزان آنها نیز معرف و بیانگر ماهیت سیاسی دولت و جهت‌گیری سیاسی آنهاست. اگر چه زرادخانه کیفری دولتی فقط در داخل آن دولت اجرا می‌شود ولی برد و معنای سیاسی

هم دارد و دولتها بر آن اساس برای آن کشور، حساب باز می‌کنند. بدیهی است که ضمانت اجرای کیفری، بازوی مسلح نظام حقوقی یک جامعه، فی‌الواقع در جهت ایجاد ارعاب و عبرت برای مجرمین بالقوه و بالفعل تنظیم می‌شود و به این ترتیب حق دولتهاست که با جرم انگاری رفتار و اعمالی که حاکمیت ملی و نظم داخلی آنها را به مخاطره می‌اندازد و با اعمال مجازات، از آن حاکمیت دفاع کنند. ضمانت اجرای کیفری، در جرم‌شناسی نیز واجد اهمیت است چرا که در جرم‌شناسی، جرم فعل یا ترک فعلی است که ضمانت اجرای کیفری یا تهدید اجرا و اعمال مجازات بر آن جرم سنگینی می‌کند. اما کیفر به لحاظ قهرآمیز بودن مدعی است که بر مباشرین جرائم رنج و مشکلات اعمال می‌کند. رنج و عذابی که به زغم عده‌ای بی‌فایده است چرا که کارائی ندارد و جلو موج بزهکاری را نمی‌گیرد. عده‌ای نتیجه گرفته‌اند نظام کیفری، دستگاهی است که رنج و عذاب را بین عده‌ای توزیع می‌کند و به این نتیجه رسیده‌اند که ترس از مجازات، باز دارنده نیست. چرا که عده‌ای جرم انجام می‌دهند و دیگر اینکه کیفر علاوه بر رنج و عذاب مضر است و زمینه تکرار جرم را فراهم می‌کند. این بدبینی نسبت به مجازات، بحثی است که سابقه تاریخی دارد. لاقلاً در تاریخ مدرن حقوق جزا به مکاتبی که جنبه کلاسیک دارند بر می‌گردد. از زمانی که بحث مجازات در مکاتب کلاسیک و نئوکلاسیک مطرح شده است، دیدگاه نسبت به ضمانت اجراها بدبینانه بوده است. مجازات نتوانسته جامعه‌ای عاری از جرم ایجاد کند و در عین حال مجازات بی‌فایده نیست. عده‌ای می‌گویند مجازات مضر است و جرم‌ساز است. در تاریخ اندیشه‌های کیفری نیز یک قضاوت بدبینانه نسبت به مجازات و ضمانت اجرا بوده است. قبل از شکل‌گیری حقوق جزا و جنبش تدوین قوانین، عده‌ای از فلاسفه معتقد بودند مجازات فضیلت است و صلح به ارمغان می‌آورد به شرط اینکه قاطع باشد. این دیدگاه در باب مجازات حد دیده می‌شود و به نظر می‌رسد از دید شارع، شدت مجازات باید بتواند افراد را از ارتکاب جرم باز دارد. اما کم کم با آغاز جنبش

جرم‌شناسی ۹۸۵

تدوین قوانین، بدبینی نسبت به مجازات بوجود آمد. اولین بدبینی نسبت به حبس است که برای جامعه هزینه بر است و فضا می‌خواهد و مدیریت خاص می‌خواهد و برای جامعه تبعاتی دارد و خرده فرهنگ زندان با ترخیص زندانی به جامعه می‌آید. در ایران حدود ۶۰۰ هزار نفر در سال ورودی و خروجی زندانهاست. اینها دیگر افراد سابق نیستند و زندان متورم است و فردی شده نیست. زندان آزادی انسان را سلب می‌کند و باید بتوان انسان را اصلاح کرد ولی در این محیط چگونه می‌توان انسان‌ای را اصلاح کرد؟ اولین ایراد به حبس بود و جنبش‌های زیادی رخ نموده است که در ایران جنبش جایگزین زندانهاست.

جایگزین بدین معناست که قانونگذار در قانون کیفر حبس را کنار گذاشته و کیفرهای غیرسالب آزادی را قرار داده و برای قاضی اختیار قرار نداده است [مجازات جانشین حبس] گاه قانونگذار ضمن ابقاء حبس برای قاضی این انتخاب را می‌گذارد که در صورت احراز شرایط و برای اجرای اصل فردی کردن قضائی مجازاتها، بدیل حبس و آلترناتیو حبس را بیاورد. در حقوق فرانسه، کیفر خدمات عام‌المنفعه یا خدمات عمومی وجود دارد که برای زندانی متضمن انجام کار است و طبق اصول حقوق بشر کار نباید جنبه اجباری داشته باشد و اگر دادگاه تشخیص داد او را به کیفر خدمات عمومی محکوم کند، باید حتماً رضایت متهم را جلب کند و کیفر جنبه اختیاری دارد و با رضایت و مشارکت طرفین است. معمولاً عدالت کیفری یکسویه است و این یک تحول است کیفر خدمات عمومی بدلیل کیفر حبس است.

در دیدگاه‌های جرم‌شناسی واکنش اجتماعی، کل نظام کیفری از دید انتقادی بررسی شد و برخی جرم‌شناسان تکرار جرم را محصول نظام کیفری می‌دانند و کل نظام کیفری زیر سوال رفت. حقوق جزا و مجازاتها همواره مطلوب و محبوب حقوقدانان و جرم‌شناسان نبوده است. امروزه در باب مجازاتها دو دیدگاه است: دیدگاه رعب آوری و عبرت‌انگیزی مجازات و دیگر جنبه اصلاح‌ای درمانی در مقابل

۹۸۶ مباحثی در علوم جنایی

مجازاتها که قضاوت درباره آنها بینابین است این اعتقاد وجود دارد که ضمانت اجراهای غیر کیفری و تربیت خانوادگی اهمیت بیشتری نسبت به ضمانت اجرای کیفری برای بازدارندگی و جلوگیری از ارتکاب جرم دارند.

در کنار این دیدگاه‌ها، قانونگذاران و جوامع در قوانین، مجازات را ابقاء کرده‌اند اگرچه اشکال آن متنوع شده است و قانونگذار در مقام حفظ ارزش‌های جامعه، دست به جرم‌انگاری و وضع مجازات می‌زند و دادگاه‌ها افراد را محکوم می‌کنند و دلیل آن تورم افراد زندانی است.

مجازاتها علی‌الرغم ایرادهای دکتترین به حیات خود ادامه می‌دهند. مجازاتها شاید کارکردهای دیگری داشته باشند که باید به آنها توجه کرد. پاسخ کیفری زیر سوال است چرا که برای جامعه هزینه بر است و برون داد آن کاهش جرم نیست. تنها فایده مجازات این است که کار اخلاقی و انتقام جویانه خود را اعمال می‌کند. اگر بخواهیم روی مجازاتها مطالعه کنیم بر روی ابعاد اصلاحی - ارعابی و عبرت‌انگیزی آن بحث می‌کنیم.

در مقابل این دیدگاه‌ها، جرم‌شناسان از یکسو و اصرار قانونگذار بر ابقاء مجازات، عده‌ای معتقدند که باید سوال کرد که آیا کیفرها به طور کلی بی‌تاثیر یا برخی بی‌تاثیرند و کیفرهای موثر کدامند؟ چه نوع افرادی تحت تاثیر کیفر قرار می‌گیرند؟ پس دو بحث مطرح است:

۱- کارایی مجازاتها از نظر بازدارندگی

۲- تاثیر و کارایی کیفرها به طور کلی

دیدگاه جرم‌شناسان

بازدارندگی کیفرها

باز دارندگی از اصطلاح dissuader و اسم dissuasion است (deterrence). این اصطلاح بیشتر جنبه دفاعی و انفعالی دارد. (در گذشته اصطلاح وزارت جنگ وجود

داشت: *Ministere de la guerre*، که جنبه فعال در ذهن را ایجاد می‌کند که این کشور جنگجو است و امروزه به آن وزارت دفاع می‌گویند. دفاع در مقابل حمله است و گفته شد دفاع باید بازدارنده باشد)

در باب کیفری، این دیدگاه مطرح است که ما حقوق جزا را از نظر زرادخانه کیفری به گونه‌ای تهیه و آرایش و تنظیم و تکمیل کنیم که نیازی به اجرا نباشد و صرف زرادخانه برای بازدارندگی و انصراف مجرمین بالقوه کافی باشد و نیاز به اجرا نباشد. در حدود، این دیدگاه وجود دارد. شدت مجازات با تناسب جرم به گونه‌ای است که کسی دور این جرائم نمی‌گردد. صرف تنظیم آن کافی برای بازدارندگی و منصرف کردن مجرمین بالقوه باشد.

مراد از باز دارندگی، اتخاذ تدابیری است که از جرم انصراف ایجاد کند. از این دیدگاه، دو نوع بازدارندگی در حقوق جزا مطرح می‌شود: بازدارندگی عام و خاص که در جرم‌شناسی به آن پیشگیری کیفری عام و خاص گویند.

پیشگیری کیفری عام، بر جنبه ارعاب آور مجازاتها تکیه می‌کند که ناظر به کل شهروندان است و مخاطب آن همه اعضا جامعه است چرا که فرض بر اینست که همه شهروندان با شنیدن تهدید مجازات متنبه می‌شوند و جرم کاهش می‌یابد.

پیشگیری کیفری خاص، مخاطبش بزهکار است و هدف از آن پیشگیری از تکرار جرم است و پیشگیری از بزهکاری مکرر است و اصلاح مجرمین را مدنظر دارد.

در بازدارندگی خاص، معیار ما کاهش تکرار جرم است و معیار ما در بازدارندگی عام، کاهش بزهکاری اولیه است.

در پیشگیری عام سه محور وجود دارد:

۱- تهدید بالقوه به مجازات

۲- تهدید بالفعل به مجازات

۳- سرعت در اجرای مجازات

در بازدارندگی عام، عمدتاً روی محور اول کار می‌شود و اگر نشد روی تهدید بالفعل تاکید می‌شود و در نهایت رکن سوم مطرح می‌شود. به طوری که رویت مجازات با ارتکاب جرم و نوع جرم یک رابطه ذهنی ایجاد کند. سرعت در اجرای مجازات یک نوع مجازات انعکاسی است.

انواع بازدارندگی

۱- بازدارندگی عمومی

در بازدارندگی عمومی، ابتدا در مورد کارایی قطعیت و حتمیت مجازات بحث می‌کنیم که آیا در عمل جواب داده است یا خیر و سپس درباره دو تحقیق در کشورهای اروپایی (بستن کمر بند ایمنی و جریمه و رانندگی در حال مستی) و کارایی بازدارندگی عمومی صحبت خواهیم کرد.

۱-۱- قطعیت (Certainty; la certitude)

بر خلاف عنوان آن، بیشتر نسبی است. به این معنا که وقتی قطعیت مطرح می‌شود یعنی موارد غیر قطعی وجود دارد که مجازات اجرا نشده است. قطعیت از لحاظ تحقیقات میدانی از چند طریق برآورد می‌شود:

۱- میزان پرونده‌های تعیین تکلیف شده

۲- نرخ موارد صدور اتهام و قرار مجرمیت (صدور کیفر خواست)

۳- نرخ تعداد احکام حبس

این مطالعات نشان می‌دهد که این موارد، اثرش نسبت به همه جرائم یکسان نیست و در حوزه‌های قضائی یکی نیست و پرونده‌های تعیین تکلیف شده در مرحله پلیسی و دادسرا میزان یکسانی ندارد و تابع مسائل مختلفی است. اما یک اصل می‌تواند محور باشد:

جرم‌شناسی ۹۸۹

وقتی احتمال اجرا و اعمال مجازات افزایش یابد، علی‌الاصول بزهکاری باید کاهش یابد و بالعکس هر چه میزان اعمال مجازات کاهش یابد، وسوسه مجرمین به عمل مجرمانه نزدیکتر می‌شود.

پس یک کیفر محتمل، قاعدتاً باید موج بزهکاری را به پائین آورد. در این اظهار نظر باید یک نوع تعدیل برقرار شود و آن اینکه این امکان وجود دارد که دستگاه کیفری و دادگاه‌ها به لحاظ تراکم پرونده و کار، و پلیس به لحاظ کار، وقت کافی را برای رفع و رجوع و رسیدگی به همه پرونده‌ها نداشته باشند و افزایش بزهکاری که منجر به افزایش کار دستگاه پلیسی می‌شود احتمال مجازات و کیفر شدن را کاهش می‌دهد.

در سال ۱۹۶۴ یک تحقیق در فرانسه انجام شده که موضوع آن رابطه بین کاردادگاه‌ها و موارد ترک تعقیب کیفری توسط شاکی بوده است. این تحقیق نشان داده است که به میزان بالا رفتن کار دادگاه‌ها، شکات ترجیح می‌دهند از تعقیب و شکایت خودداری کنند چرا که میزان دقت دادگاه‌ها به علت حجم کار کاهش یافته است. در اینجا بزهکاری، حتمیت کیفر را پائین می‌آورد برای بخشی از متهمین و مظنونین صرف نخستین تماس با پلیس و دستگاه کیفری جنبه بازدارنده دارد و در آن مرحله متنبه شده و عبرت می‌گیرند و ادامه مسیر عدالت کیفری چه بسا به ضرر او باشد و او را با جرم آشنا کند.

اما از سوی دیگر، تحقیقات دیگری مثلاً در دانمارک بحث تراکم پرونده‌ها در دستگاه کیفری را کنار گذاشته است و فاکتورهای دیگری در باب حتمیت کیفر اعمال کرده است. این تحقیق را در سال ۱۹۷۴ یک محقق دانمارکی انجام داده است. کشور دانمارک در جنگ جهانی دوم تحت اشغال نازی‌ها در آمده است و در سال ۱۹۴۴ به دلیل اینکه کارکنان پلیس دانمارک با مبارزان سیاسی دانمارکی علیه نیروی اشغالگر همکاری می‌کنند، پلیس دانمارکی به علت بی‌صلاحیتی کنار گذاشته شد.

۹۹۰ مباحثی در علوم جنایی

جرم شناس آندره نائس نشان داده که هفت ماه بعد از کنار گذاشته شدن پلیس دانمارکی، سرقت‌های مسلحانه ده برابر شده است. تحقیق دیگر، در سال ۱۹۶۹ پلیس شهرداری کانادا اعتصاب کرد (مونترال کبک) ۲۴ ساعت اعتصاب ادامه داشت. عزت فتاح در تحقیق خود نشان داد که جرائم علیه اموال چهار برابر شد. خاموشی طولانی در طول شب نیز قابل توجه است تاریکی باعث افول قانون و نظم است.

این دو مطالعه مطرح شد، که نشان دهد که خود حضور پلیس و پرسنل پلیسی فی‌حد ذاته باز دارنده است و نبود آن وسوسه‌های مجرمانه را به منصفه ظهور می‌نشانند. هر چقدر میزان احتمال دستگیری و تعقیب بالا برود، جرم کمتر می‌شود.

آقای شِرمِن در آمریکا تحقیقی انجام داده است که ملاحظه کرده وقتی پلیس، عملیات ضربتی و ناگهانی و متناوب و نامنظم انجام می‌دهد، دو نوع بازدارندگی ایجاد می‌کند:

۱- بازدارندگی اولیه و فوری ۲- بازدارندگی باقیمانده (بعدی) و تاخیری به اینصورت که، آقای شِرمِن در تحقیقات خود در ارتباط با عملیات ضربتی پلیس و کاهش بزهکاری نشان می‌دهد که از ۱۸ فقره عملیات ضربتی، ۱۵ مورد باعث کاهش عملیات مجرمانه شده است، بویژه وقتی این عملیات همراه با تبلیغات بوده است و نتایج در مطبوعات منعکس می‌گردد.

عملیات ضربتی یک تاثیر آنی دارد و یک انصراف تاخیری هم دارد. آقای شِرمِن معتقد است چون مجرمین حتی بعد از اتمام عملیات ضربت احتمال ادامه را می‌دهند و هنوز مطمئن نیستند، عملیات کاهش یافته باشد لذا برای مدتی رفتار مجرمانه خود را کاهش می‌دهند. مطالعات تاریخی نشان داده که سختگیری و شدت عمل، موقتاً پاسخ داده است و باعث کاهش رفتار مجرمانه شده است. مثلاً در آمار جنائی فرانسه، نشان داده شده است که وقتی راه‌ها با حضور ژاندارم امن می‌شود، سرقت در شوارع کاهش می‌یابد. هر چه مثلاً، علم پزشکی پیشرفت می‌کند و با کالبد شکافی مقتولین،

جرم‌شناسی ۹۹۱

به مسموم شدن آنها به علت جرم، پی برده می‌شود، میزان جرائم مسموم کردن کاهش می‌یابد چرا که این علم به دادگاه و پلیس اجازه می‌دهد، منشا مرگ را تشخیص دهد و مجرمانه بودن عمل، مجازات حتمی را به دنبال دارد و این باعث می‌شود که میزان این جرم پائین می‌آید.

بر اساس این مطالعات، هر چه احتمال مجازات بالا برود، میزان بزهکاری پائین می‌آید. بنابراین حتمیت و قطعیت کیفر طبق این مطالعات کارائی خود را نشان می‌دهد.

۱-۲- شدت (Severity; la sévérité)

علی‌الاصول، در ارتباط با شدت نیز قانونگذاران وعده‌ای معتقدند مجازات شدید بازدارندگی عمومی ایجاد می‌کند. اما واقعیت اینست که بین شدت عمل کیفری (سختگیری کیفری) - که در کشورهای غربی با معیار متوسط حبس تعیین می‌شود - و بزهکاری، فی‌الواقع هیچ رابطه‌ای نیست یعنی شدت و سختگیری باعث کاهش جرم نمی‌شود.

تحقیقات میدانی از طریق پرسشنامه نشان داده که معیار مردم راجع به افشاء جرائم مستقل از شدت مجازات مربوط به جرائم است.

این مطالعه نشان می‌دهد که تشدید مجازات باعث انصراف بزهکاران نمی‌شود و علت آن سیاست کیفری ایالات متحده آمریکا در باب مجازات‌هاست (عدم تسامح) که اجتناب از تعدیل و تخفیف مجازات‌هاست و گذشت و تخفیف صفر است. در آمریکا نشان می‌دهد که از سال ۱۹۷۰ به بعد، جمعیت زندانها سه برابر شده است و تشدید مجازات‌ها و سوسه مجرمین را کم نکرده است و این سه برابر شدن جمعیت زندانها با مقایسه جمعیت زندانهای این کشور در سال ۱۹۲۵ م تا ۱۹۷۵ م بوده است. و مطالعات ۱۹۷۵ تا سال ۱۹۹۵ م نشان می‌دهد که در اجرای سیاست فوق بزهکاری کاهش نیافته و بیشتر شده است و این به علت افزایش جمعیت آمریکا نبوده است.

۹۹۲ مباحثی در علوم جنایی

افزایش جمعیت کیفری در آمریکا نشان می‌دهد که مجرمین ذینفع در ارتباط با مجازات‌ها، مرعوب نشده‌اند. پس تشدید مجازات و سخت شدن رژیم زندان باعث عقب رانده شدن مجرمین نشده است.

پس در ارتباط با آمریکا باید دو نکته را توجه کرد: از سال ۱۹۷۰ م به این سو، پدیده مصرف موادمخدر سبب شده که بخشی از جمعیت کیفری آمریکا را بزهکاران مواد مخدر تشکیل دهد و دیگر اینکه، در مدت سه دهه اخیر، نهاد خانواده در طبقات پائین کشور آمریکا به لحاظ همه‌گیر شدن مواد مخدر تضعیف و متلاشی شده است و جرم‌شناسان معتقدند افزایش جمعیت کیفری به علت ناکارا شدن نهاد خانواده می‌باشد که نهادی اقناع‌گر و جامعه‌پذیر کننده اطفال است. ساز و کار کنترل اجتماعی شامل نهادهای اجتماعی کننده افراد هم می‌شود.

تشدید مجازات‌ها علی‌الاصول بنابر مطالعات انجام شده، توقعات ما درباره کاهش جرم را برآورده نکرده است الا در مورد قتل، عده‌ای معتقدند علت نادر بودن جرم قتل به خاطر اینست که مجازات آن شدید - اعدام - است. عده‌ای دیگر معتقدند، چنانچه جرم قتل نرخش پائین است به دو دلیل است: ۱- سلب حیات دیگری عملی شدید و غیر انسانی است و باعث می‌شود کمتر انجام گیرد و خود نفس جرم قتل بازدارنده است و توسط مجرم جبران نمی‌شود ۲- قطعیت مجازات در خصوص جرم قابل توجه تر از سایر جرائم است. پس شدت مجازات تاثیری ندارد و قطعیت اعمال مجازات مانع از ارتکاب جرم است و مرتکب از کیفیات مخففه برخوردار نمی‌شود قتل از نظر رقم سیاه نسبت به سایر جرائم از اهمیت قابل توجهی برخوردار است و رقم سیاه قتل بسیار پائین است و با علوم جرم‌یابی بلافاصله قتل قابل تشخیص از خودکشی است و قتل کشف می‌شود و لو اینکه قاتل معلوم نگردد ولی ممکن است رقم خاکستری بالا باشد یعنی جرم کشف شود ولی مباشر جرم کشف نشود. در جرائم علیه اشخاص دو نوع ضرب و جرح وجود دارد:

جرم‌شناسی ۹۹۳

۱- قتل‌های ناگهانی ۲- قتل‌های مبتنی بر رابطه و سبق تصمیم. قتل‌های ناگهانی غیر قابل پیش‌بینی و غیرمنتظره است که تعداد آنها کمتر از نوع دیگر است. قتل‌های مبتنی بر رابطه، ناظر به مواردی است که بین قاتل و مقتول رابطه وجود دارد مانند رابطه خویشاوندی، همسایگی و .. در نقطه‌ای بحرانی می‌شود و هر گاه به اوج برسد تبدیل به قتل می‌شود. در خصوص قتل‌های ناگهانی شاید شدت مجازات تاثیری در محاسبه ندارد ولی در نوع دوم، قاتل فرصت محاسبه هزینه جرم خود را دارد و بحث قطعیت مجازات می‌تواند در محاسبه او نقش داشته باشد)

در شدت مجازات عده‌ای از حقوقدانان معتقدند نمی‌توان صریحاً اظهار نظر کرد. سه دلیل برای این ترید مطرح کرده‌اند:

الف - پژوهشگرانی که درباره اندازه‌گیری شدت مجازات مطالعه کرده‌اند با این مشکل مواجه شده‌اند که بین مجازات قانونی، قضایی و اجرایی چگونه می‌توان شدت مجازات را اندازه‌گیری کرد؟

مجازات قانونی شامل کیفرها و اقداماتی است که قانونگذار در قانون پیش‌بینی کرده‌اند (تقنینی) قانونگذار در کنار این مجازاتها، ساز و کارهایی را پیش‌بینی کرده و به قاضی اختیار می‌دهد، میزان مجازات را از آنچه در قانون آمده است، تغییر دهد و مجازات را تخفیف یا تبدیل کند که به آن فردی کردن مجازات گویند.

(ماده ۲۲ ق. م. ا) شکاف بین میزان و نوع مجازاتی که در قانونی آمده و آنچه قاضی در حکم کیفری آورده، باعث می‌شود، مطالعه مالوث گردد.

مجازات اجرایی نیز باید توجه شود. مجازاتی که قاضی در دادنامه می‌آورد، در مرحله اجرا توسط قاضی اجرا یا اداره زندانها مشمول جرح و تعدیل‌هایی می‌گردد که گاه از طریق عفو است یا تعلیق مجازات یا ... که اینها باعث می‌شوند شدت مجازات و معیار ما در برآورد آن دچار اشکال گردد. پس چه بسا بین مجازات قانونی و مجازات اجرایی شکاف ایجاد شود که از شدت مجازات می‌کاهد.

۹۹۴ مباحثی در علوم جنایی

پس آستانه تعیین شدت مجازات کجاست؟ مجازات قانونی یا قضایی یا اجرایی ب - شدت مجازات از چه لحظه‌ای و آستانه‌ای اثر ارعابی خود را به جامعه و بزهکاران بالقوه القا می‌کند؟ آیا صرف پیش‌بینی مجازات شدید در قانون و ابلاغ آن به جامعه اثر ارعاب آور دارد یا تجربه مجازات و رویت مجازات ارعاب آور است؟ دیدگاه‌ها مختلف است:

عده‌ای معتقدند صرف پیش‌بینی مجازات شدید در قانون و با توجه به اصل جهل به قانون رافع مسئولیت نیست، می‌تواند اثر عمده‌ای داشته باشد.

عده‌ای معتقدند آستانه ارعابی در زمان تجربه و رویت مجازات است.

ج - کیفرهایی که بسیار شدید است در عمل غیر قطعی و غیر حتمی می‌شوند. (سنگ بزرگ علامت نزدن است) در نتیجه شهروندانی که قربانی جرائم قرار می‌گیرند، اکراه دارند علیه متهم شکایت کنند یا تردید به خود راه می‌دهند یا شهود تردید می‌کنند که جرم را افشاء کنند. مشکلی که رخ می‌نماید اینست که افزایش شدت مجازات باعث کاهش قطعیت مجازات می‌گردد. در کشور ما، جرائم مواد مخدر و مجازاتهای شدید آن قابل توجه است معیار مجازات در جرائم مواد مخدر شدید است و معیار بر اساس میزان ماده مخدر تعیین می‌گردد و با توجه به این موضوعه، قضات دادگاه‌های انقلاب در باب قاچاق و مواد مخدر از بسیاری از مجازاتهای قانونی عدول می‌کنند یعنی ضمن اینکه در دادنامه مجازات تعیین می‌کنند، بلافاصله می‌نویسند که متهم مستحق تخفیف است در حالی که احکام قطعی است، این شدید تلقی کردن مجازات می‌تواند علل مختلف داشته باشد:

۱- وقتی قضات می‌بینند طی سالها کار در دادگاه‌ها، حکم مصادره اموال و اعدام صادر کرده‌اند ولی پرونده‌ها زیاد می‌شوند و بازدارندگی عمومی نداشته است، به خود تردید راه می‌دهند و از طرفی آثار این احکام به خانواده محکومین بلافاصله در جامعه تبلور می‌یابد، پس مجازات را شدید می‌پندارند.

۲- تحولاتی که در ارزیابی جامعه نسبت به جرم و مجازات ایجاد می‌شود، باعث می‌شود که مجازاتی شدید تلقی گردد.

۱-۳- دو تحقیق در کشورهای اروپایی

دو تجربه و تحقیق در کشورهای اروپایی راجع به کارایی ضمانت اجرای کیفری انجام شده است که نتایج تحقیقات بحث ما را روشن می‌کند:

یکی از جرائم بسیار رایج و پر هزینه، جرائم مربوطه به راهنمایی و رانندگی است (تصادفات) بدیهی است که به تناسب تکامل فن‌آوری خودرو و اتومبیل، یک سلسله اقدامات وضعی فنی توسط سازندگان برای مطمئن کردن خودرو و کاهش هزینه‌ها اعمال شده است اما علی‌الرغم این تمهیدات خودرو از وسایلی است که علیه خود بشر کار می‌رود. یکی از اقدامات شرکت‌های خودروسازی، تعبیه کیسه‌های بادی پشت فرمان است و دیگر نصب وسایلی پشت سر، که در صورت تصادف، سر انسان حفظ شود. اما علی‌الرغم این تمهیدات و تدابیر وضعی پیشگیری، قانونگذار ناچار شده که برای کاهش تصادفات رعایت یک سلسله مقررات را اجباری و کیفری کند، بنابراین در کنار تدابیر غیر کیفری (وضعی) قانونگذار مقررات کیفری پیش‌بینی کرده است که یکی از آن اجباری کردن کمربند ایمنی و دیگری اجباری کردن تست الکل است. بدیهی است که این دو مقرر کیفری به نوبه خود باید در کاهش تصادفات و مرگ و میر موثر باشد. برخی از جرم‌شناسان کارآئی این اجباری کردن کمربند ایمنی و تست الکل را بررسی کرده‌اند:

در مورد رانندگی در حال مستی، در کشورهایی مانند فرانسه و ایتالیا، به ویژه در پایان هفته مصرف الکل بالاست و تعدادی از تصادفات مربوط به آن است. قانونگذار فرانسه در کنار قانونی کردن تست الکل، مجازتهایی هم برای رانندگان مست در نظر گرفته است: مانند ضبط پروانه رانندگی. قانونگذار فرانسه، رانندگی در حال مستی بدون اینکه منجر به تصادفات شود را جرم در نظر گرفته است چرا که راننده مست

۹۹۶ مباحثی در علوم جنایی

بالقوه یک موقعیت خطرناک ایجاد کرده است. این جرم جدید را جرم مانع می‌نامند. جرم دیگری که قانونگذار به طور مستقل در نظر گرفته است رانندگی خارج از سرعت مطمئنه است چرا که راننده و ماشین را تبدیل به خطر برای دیگران می‌کند.

در باب مصرف الکل و رانندگی کشورهایی که مصرف الکل در آنها زیاد است اقدامات زیادی انجام داده‌اند که یکی از آنها قانونی کردن الکل تست است. تحقیقات انجام شده در انگلستان و فرانسه نشان داده که قانونی کردن تست الکل و مطلع کردن مردم، سبب شده است میزان تصادفات بویژه در شبهای تعطیل و آخر هفته کاهش یابد. مثلاً در انگلستان مشاهده شده است که ۶۶٪ تصادفات در مدت ۶ ماه بعد از قانونی شدن این تست کاهش می‌یابد ولی بعد از ۶ ماه میزان مصرف الکل توسط رانندگان بالا رفته است. در بررسی مشخص شده که علت عدم کارایی الکل تست به این خاطر بوده که مقامات راهنمایی و رانندگی تبلیغ و آگاهی در مورد این الکل تست را کنار گذاشته بوده‌اند و در ذهن رانندگان این امر کمرنگ و حذف شده است. این تحقیق نشان داد که مانند اقدامات ضربتی، آثار تا مدتی مشهود است، پس از پایان یافتن عملیات شدید و ناگهانی به حالت عادی بر می‌گردد. آنچه در این تحقیق قابل توجه است اینست که قطعیت الکل تست و مطلع کردن مردم از آن نقش عمده‌ای در جلوگیری داشته است و به موازات آن، مقامات پلیس و شهرداری برای اینکه رانندگان مست از خودرو خود استفاده نکنند، اقدام به برنامه‌هایی خاصی کرده‌اند و اتوبوس‌های شرکت واحد به طور رایگان شبانه‌روزی کار می‌کرده‌اند که خود در کاهش تصادفات نقش عمده داشته است. در کنار اقدامات کیفری مقامات محلی، یک سلسله تدابیر غیر کیفری پیش‌بینی شده که مکمل کار قانونگذار کیفری است.

در تحقیق دیگری که در مورد کمربند ایمنی انجام شده است، اجباری کردن آن، امری جدید است و این ایده که سرنشین خودرو کمربند ببندد، الهامی از مسافرت با هواپیما بوده است. در سوئیس از سال ۱۹۷۶ استفاده از کمربند اجباری شده است که

جرم‌شناسی ۹۹۷

در سال ۱۹۷۷ لغو می‌شود ولی در سال ۱۹۸۲ مجدداً اجباری و قانونی می‌گردد. فواید استفاده از کمر بند ایمنی نیز برای مردم مطرح می‌شود. تحقیق سال ۹۱ در سوئیس نشان می‌دهد که زمانی که استفاده از کمر بند اجباری می‌شود مردم استفاده می‌کنند و حتی وقتی اجبار از آن برداشته می‌شود مورد توجه همه قرار نمی‌گیرد و سلیقه‌ای می‌شود. هر کانونی که استفاده از کمر بند را اجباری و همراه با ضمانت اجرا کرده است، مردم استفاده می‌کرده‌اند ولی آنجاها که اجباری نبوده، تبدیل به ارزش نشده است. در باب کمر بند ایمنی و الکل تست و مجازاتها، چه کیفری از نظر شدت و قطعیت مهمتر است یا به عبارتی از لحاظ شدت و قطعیت کدام مهمتر است؟

در جواب این سوال، صحبت از کیفرهای متقاعد کننده یا باز دارنده شده است، به این معنا که کیفرهایی که معقول باشند و نسبت به ارزش مورد حساسیت قانونگذار متناسب باشند و این تناسب با جرم مورد نظر و مباشران جرم تناسب کیفی و ماهوی داشته باشند من حیث المجموع بازدارندگی بیشتری نسبت به کیفرهای شدید دارد یعنی مقعول بودن کیفر همراه با قطعیت باشد و بین مجازات قانونی و اجرایی نباید تفاوت باشد و تناسب بین جرم و مجازات در قانون و توسط قاضی و در مرحله اجرا رعایت شود.

کیفر بازدارنده و متقاعد کننده کیفری از لحاظ شدت و ... تهدید کننده نیست و از طریق تعقل در قانون پیش‌بینی می‌شود و توسط قاضی رعایت می‌شود و اجرا می‌گردد. جنبه آموزشی قانون جزا مهم است و قسمت حقوق جزای اختصاصی که ارزشهای جامعه را تعیین می‌کند، زمانی مورد استقبال مردم است و کمتر رخ می‌دهد که آن ارزشها مورد قضاوت و برآورد جامعه باشد و از طرفی مجازات آن هم از نظر جامعه معقول باشد جنبه آموزشی قانون جزا مهمتر از جنبه‌های دیگر است.

اینجا بحث تورم کیفری مطرح می‌شود یعنی فزونی جرائم در قانون به طوری که حافظه قاضی و تابعان حقوق جزا توانایی حفظ آنرا نداشته باشد. جنبه آموزشی قانون

۹۹۸ مباحثی در علوم جنایی

جزا یعنی معقول بودن میزان جرایم و پاسخ کیفری آنهاست. مجازات فی حد ذاته لازم ولی کافی نیست.

بازدارندگی عمومی ناشی از مجازات تا اینجا مطرح شد و اکنون می‌خواهیم بازدارندگی فردی را بررسی کنیم در قسمت اول کاهش جرایم اولیه مدنظر است ولی در قسمت دوم مراد پیش‌گیری از تکرار و بررسی شخص مجرم است.

(هرگاه قانونگذار با ذکر شرایطی ناظر به خود مجرم و مجنی علیه و جرم یک سلسله تکالیفی را به قاضی تحمیل می‌کند این فردی کردن قانونی است و هر گاه قانونگذار یک سلسله تکالیف را به صورت اختیاری به قاضی می‌دهد آنرا فردی کردن قضایی گویند. هر گاه در مرحله اجرای مجازاتی مانند حبس متولیان زندان با توجه به پرونده محکوم، اجرای مجازات را فردی می‌کنند آنرا فردی کردن اجرایی گویند.)
تحقیقات میدانی بر قطعیت و حتمیت مجازات تاکید می‌کند تا شدت مجازات.

۲- بازدارندگی فردی و خاص

نتیجه مطالعات میدانی ضد و نقیض است. مجازات قبل از هر چیز مکافات دهنده است و خطا را مجازات می‌کند. بتدریج درکنار این اثر اخلاقی مجازات که ناظر به گذشته مجرم است و درباره جرائم عمدی قابل قبول است، مساله دیگری برای مجازات در نظر گرفته شده که مربوط به آینده است و باید مجرم را تنبیه و منصرف از ارتکاب جرم کند. متنبه کردن با اصلاح کردن فرق می‌کند. گاه مجازات مجرم را مرعوب می‌کند و از ترس جرم را انجام نمی‌دهد، گاه با اجرای مجازات و برنامه‌های اصلاحی و درمانی آن مجرم مشکل‌اش حل می‌شود و آسیب رفع می‌شود و به دنبال رفع مشکل دیگر مرتکب جرم نمی‌شود. در بازدارندگی فردی خاصیت اول مدنظر است یعنی مجازات طوری باشد که فرد متنبه شود و ما می‌خواهیم ببینیم مجازاتها کارکرد ارباب آور نسبت به شخص مرتکب دارند یا خیر؟ در مورد تکرار جرم از اصطلاح مجرم خطرناک یا حالت خطرناک یاد می‌شود. هر گاه تکرار جرم خود در

زمان ادامه یابد و نوع جرم ارتكابی مجرم مکرر به جرم قبلی و بعدی شباهت نداشته باشد و علی‌الرغم مجازات نسبت به او، وی کماکان به ارتکاب جرم ادامه دهد، اصطلاح بزه‌کار مزمن یا مقاوم به کار برده می‌شود. بنابراین بحث ما در خصوص بازدارندگی فردی در اجرای مجازات نسبت به مجرمین - دارای سابقه مجرمانه است.

در خصوص بازدارندگی فردی نتیجه مطالعات میدانی نشان می‌دهد که نتیجه مشخص و صریحی وجود ندارد به عبارت دیگر مطالعات نشان می‌دهد که اجرای مجازاتهای متفاوت نسبت به بزه‌کاران در تکرار جرم آنها تاثیر ندارد چه مشمول تعلیق یا جریمه و ... شود. حتی دیده شده که نرخ تکرار جرم در مورد مجرمین افزایش پیدا می‌کند. اجرای مجازات ممکن است وخامت حالت فرد و تشدید آنرا بدنبال داشته باشد. این تحقیقات و تردید در مورد تاثیر آنها سبب شده آقای شِرمَن صحبت از کیفرهای متقاعد کننده بکند و از بزه‌کاران عصیانگر و معترض سخن بگوید او با طرح این دو دیدگاه می‌خواهد درباره بازدارندگی فردی تکلیف را مشخص کند. او در آمریکا در خصوص تاثیر بازدارنده حبس‌های کوتاه مدت در زمینه خشونت‌های زناشویی دست به تحقیق می‌زند. این تحقیق در شهر میناپولیس با همکاری پلیس صورت می‌گیرد. در این تحقیق پلیس به محض دریافت تلفن مبنی بر ارتکاب ضرب و شتم توسط شوهر سه تصمیم می‌گیرد:

الف - همسر مرتکب خشونت را برای مدتی تحت نظر قرار می‌دهند،

ب - سعی می‌کند به آن مرتکب اخطار بدهد و آشتی برقرار کند،

ج - از شوهر مرتکب خشونت می‌خواهد چند ساعت به خانه رجوع نکند. آقای شِرمَن با این تحقیق در زمان دست به بررسی نرخ تکرار جرم این افراد می‌زند یعنی کسانی که مشمول سه راه حل قرار گرفته‌اند.

تحقیقات او نشان می‌دهد که مشمولان راه حل اول - توقیف شده‌ها - کمتر از بقیه، مرتکب جرم می‌شوند و بنابراین آقای شِرمَن نتیجه می‌گیرد که اقامت به عنوان

توقیف در کلانتری عبرت آور بوده است. در شهرهای دیگر دولت آمریکا این تجربه را تکرار می‌کند.

۱- شهرهای کلرادو - میامی ۲- شهرهای شارلوت و میل واک. در شهرهای دسته اول، نتیجه تحقیقات عین نتیجه‌ای است که آقای شِرمَن در میناپولیس به دست آورده است ولی در شهرهای گروه دوم بر عکس است، شوهرانی که شب در سلول کلانتری بوده‌اند نرخ تکرار جرمشان از دو راه حل دیگر بیشتر است و نوعی تجری وجود دارد آقای شِرمَن هویت و پرونده شخصیت از، آنها تهیه می‌کند و مطالعه پرونده این سه گروه نشان می‌دهد که آن همسرانی که دارای شغل هستند و ضمناً یک هویت اجتماعی دارند و به لحاظ ارتکاب خشونت در سلول بوده‌اند کمتر مرتکب تکرار جرم شده‌اند و آنها منصرف شده‌اند ولی کسانی که در سلول بوده‌اند و نرخ تکرار جرمشان افزایش یافته‌اند نوعاً مجرد بوده‌اند و آن زن همسرشان نبوده یا بیکار بوده‌اند و هویت اجتماعی نداشته‌اند آقای شِرمَن از این تحقیق سه نتیجه می‌گیرد:

۱- بزه‌کارانی که از نظر اجتماعی جامعه‌پذیر شده‌اند و با جامعه یکپارچه‌اند و هم‌نوا با جامعه‌اند، بعد از تحمل مجازات نرخ تکرار جرمشان پایین می‌آید آن دسته از مجرمینی که در حاشیه‌اند و بیکارند و همسر ندارند نرخ تکرار جرمشان بیشتر است. ۲- به نظر آقای شِرمَن، کیفر ممکن است یک واکنش عصیانگری یا جامعه ستیزی در فرد ایجاد کند به این معنا که اگر فرد مجرم مجازات متحمل را درست و عادلانه بداند با اجرا متقاعد و متنبه می‌شود و آن بزه‌کارانی که تحمل کیفر را ظلم و اجحاف تلقی می‌کنند به جای متقاعد شدن علیه کیفر و دستگاه کیفری عصیان می‌کند، به بیان دیگر، کارایی کیفر مشروط به مشروعیت کیفر است یعنی مجرم کیفر را متناسب با جرم و منصفانه تلقی کند که در این صورت اثر عبرت‌آموز کیفر بیشتر است. اگر رفتار پلیس و قاضی و زندانها نسبت به مجرمین رفتار عادلانه نباشد و همراه با خود سری باشد یا رسیدگی قاضی سطحی باشد و مجرم خود را قربانی یک محاکمه غیرعادلانه بداند،

جرم‌شناسی ۱۰۰۱

علیه کیفر شورش می‌کند. آقای شرمین معتقد است مجرمینی که فی‌الواقع در جامعه یکپارچه‌اند و قواعد و اصول جامعه را پذیرفته‌اند از مجازات بیشتر عبرت می‌گیرند.^۳ به طور خلاصه زمانی مجرم از کیفر منصرف می‌شود که مجرم خطای خود را بپذیرد و تسلیم خطای خود شود و مجرمیتش را بپذیرد. دادرسی کیفری رفتار قاضی و ضابطین طوری باشد که این مجرمیت صرف مجرمیت قانونی نباشد و مورد قبول مجرم باشد و مجازات را شایسته خود بداند. احراز مجرمیت از طریق قانون یک امر است و احراز مجرمیت از طریق قانون و منطبق با عدالت امری دیگر.

در مورد اول با یک عدالت کیفری خشک روبرویم که تنها مجرم را می‌بیند ولی اگر احراز مجرمیت متهم همراه بالحاظ جنبه‌های مختلف باشد، در آن صورت مجرم حقانیت کیفر را می‌پذیرد. به نظر آقای شرمین هر گاه کیفر و رفتار پلیس، زندانبان و ... در وی احساس ضد مجازات و عدالت ایجاد کند، آن فرد چه بسا با ارتکاب جرم در مقام عصیان و طغیان علیه کیفر باشد. اینجا به جای تبه و تنبیه شاهد بعد جرم‌زای مجازات هستیم و جرم‌شناسی واکنش اجتماعی مطرح می‌شود. درخصوص جرم‌شناسی واکنش اجتماعی، این جرم‌شناسی بر این فرض استوار است: طرفداران این جرم‌شناسی معتقدند که واکنش اجتماعی علیه جرم، عوامل تعیین و اجرای واکنش علیه مجرمین به جای ایجاد سدی در مقابل تکرار کنندگان جرم و به جای عبرت‌آموزی، تکرار جرم را ایجاد می‌کند و به تکرار کنندگان جرم دامن می‌زند.

مبحث دوم: کنترل‌های نزدیک، هم جوار (Contrôle de proximité)

در مبحث گذشته گفتیم کیفر و مجازات در اذهان عمومی دور است. کیفر هم از این جهت که بین ارتکاب جرم و لحظه مجازات و محاکمه زمان نسبت طولانی گذشته در اذهان عمومی دور است که به آن کنترل اجتماعی دور می‌گویند (این اصطلاح توسط Maurice cusson به کار رفته است که Contrôle à distance نامیده می‌شود) بحث ما درباره کنترل‌های نزدیک و مجاور است: (Contrôl de proximité) بدیهی

۱۰۰۲ مباحثی در علوم جنایی

است که کنترل از راه دور - مجازات‌ها، قانون جزا، عدالت کیفری - برای بسیاری از شهروندان بازدارنده است پس نظام کیفری لازم است و بسیاری از شهروندان همواره به فکر قانون می‌افتند و مرتکب جرم نمی‌شوند ولی افرادی هستند که حقوق جزا و عدالت کیفری آنها را منصرف نمی‌کند. برای این قبیل افراد جامعه یک سلسله ابزار نظارتی و کنترل‌کننده سریع و در دسترس دارد. این کنترل‌های نظارتی منشا و منبع آن به خود متخلف نزدیک است به طوری که این کنترل‌های قبل از وقوع تخلف، در جریان ارتکاب تخلف و بعد از آن، اقدام می‌کنند. این کنترل‌ها فارغ از آئین رسیدگی‌اند و جنبه سنتی و فوری دارند. اصولاً کنترل‌ها به چهار شیوه ممکن است اعمال شود:

- ۱- اعمال کنترل از طریق اطرافیان بلاواسطه مجرم (دوستان، خانواده و ...) این کنترل معمول از طریق فشار یا التزام لفظی به مرتکب اعمال می‌شود و اطرافیان درخصوص رفتار او قضاوت می‌کنند که این کنترل‌های غیررسمی و مردمی‌اند.
- ۲- هدف در اینجا، اینست که اندیشه جرم و نطفه جرم در همان اوضاع و احوال و بستری که اندیشه بوجود آمده را عقیم کنیم و جلو مکانیسم‌گذار اندیشه به عمل را بگیریم. فرایند یعنی برهه زمانی لاینقطع که طی آن فرد عملی را انجام می‌دهد و در اینجا روش ما پویاست. به این نوع کنترل پیشگیری وضعی گویند. پیشگیری که درباره اوضاع و احوال مشرف به جرم انجام می‌شود. (ممکن است سرزنش و ملامت نجات بخش باشد و گاه وی را با پدیده برچسب زنی مواجه کند)
- ۳- مجرم خطرناک تلقی می‌شود و نسبت به او ناامیدی و یاس در مسئولین مستولی می‌شود و ما با پاسخی به نام خنثی کردن و طرد کردن و ناتوان‌سازی بزهکار مواجه می‌شویم که معمولاً این طرد یا با اعدام یا حبس ابد یا تبعید صورت می‌گیرد.

جرم‌شناسی ۱۰۰۳

۴- در پرتو پیشرفت‌های تکنولوژی و فن‌آوری در نظام کیفری بوجود آمده که کنترل‌های الکترونیکی و نظارت‌های الکترونیکی از راه دور است. به جای اینکه زندانی در زندان باشد در خانه می‌ماند و با ابزار الکترونیکی کنترل می‌شود.

این شیوه‌ها مکمل هم هستند و برخی مکاتب یکی از روش‌ها را به عنوان اکسیر و راه حل نهایی جرم در نظر گرفته‌اند و این اشتباه است و آقای گسن گفته است که کنترل اجتماعی از راه دور به تنهایی کافی نیست.

کنترل از راه نزدیک به دو صورت است:

۱- کنترل‌های معنوی و اخلاقی ۲- کنترل مادی

زمانی که از کنترل معنوی و اخلاقی صحبت می‌شود به آن ترمز وجدان و به اخلاق و معنویت درونی توجه داریم. این وجدان و معنویت در دوران جامعه‌پذیری فرد با قضاوت اطرافیان در مورد وی درونی شده است مثلاً وقتی پدر فرزند خود را تنبیه می‌کند، می‌خواهد بگوید این عمل بد است. قضاوت افراد به تدریج فشارهای درونی و قضاوت‌های درونی شده فرد را شکل می‌دهد در مقابل گاه این کنترل‌ها جنبه مادی و خارجی دارند که به نوعی به فرد یادآوری می‌کند حال که فشارهای درونی تو را از این کار باز نداشت مانع خارجی و بیرونی وجود دارد.

کنترل‌های نزدیک به خود فرد نزدیک است که به سه مورد اشاره می‌کنیم:

۱- کنترل‌های معمول توسط خویشان و نزدیکان (کنترل‌ها و نظارت‌های اخلاقی

نزدیکان ، خویشان)

۲- بحث پیشگیری وضعی (کنترل‌های بیرونی نزدیک)

۳- بحث طرد و خنثی‌سازی

۱۰۰۴ مباحثی در علوم جنایی

انواع کنترل نزدیک

۱- کنترل اخلاقی نزدیکان و اطرافیان

هر گروه اجتماعی: خانواده، دانشگاه و ... برای حفظ نظم آن گروه یک فشارها و الزامات غیررسمی در محیط اعمال می‌کند که نمونه آن سرزنش و نکوهش کردن متخلف است. هدف نکوهش و ملامت که نوعی ضمانت اجرای غیررسمی و اخلاقی است، یادآوری بایدها و نبایدها به فرد است. نکوهش یعنی نباید و تحسین یعنی باید. تاثیر این ضمانت اجراها، یکپارچه شدن فرد را با محیط خود دنبال می‌کند و تحقق جذب و ادغام فرد در جامعه و جامعه‌پذیرسازی فرد است.

هدف از جامعه‌پذیرسازی فرد، برقراری یک نوع علقه و پیوند میان فرد و گروه است. این تئوری دورکیم تحت عنوان تئوری علقه و پیوند با گروه نام گرفته است. این یکپارچگی دو خصیصه دارد:

الف - از یک سو با فراوانی رابطه فرد با گروه مشخص می‌شود.

ب - از طریق میزان مشارکت فرد در طرح‌ها و فعالیت‌های اجتماعی. خانواده، مدرسه، عضویت در کلوپ ورزشی محل و ... در نهایت حلقه‌های تحقق این پیوند اجتماعی‌اند. یک از ابزار تحقق این علقه، اعمال سیاست «سزا و پاداش» (Carotte ou baton) (سیاست هویج یا باتوم) است. این نکوهش یا ضمانت اجراهای سزادهنده، هدفش درونی کردن بایدها و نبایدها در فرد است و تقویت موانع اخلاقی درون فرد است. مطالعات نشان می‌دهد سرزنش و ضمانت اجراهای غیررسمی نسبت به جوانان و نوجوانان و افرادی که بیشتر در جامعه و در گروه خود جا افتاده‌اند موثرتر است زیرا فردی که در مرام و هنجارهای گروه جا افتاده و ادغام شده، به نوعی دارای سرمایه اجتماعی است و می‌داند در صورت تخلف هویت اجتماعی خود را از دست می‌دهد. تبعات عمل خود، سرزنش دیگران، او را از اقدام خلاف باز می‌دارد. برعکس آن دسته از افرادی که به نوعی میزان یکپارچگی آنها کمتر است، نسبت به

جرم‌شناسی ۱۰۰۵

تقیح گروه بی تفاوت‌اند و چه بسا نکوهش و سرزنش جنبه برچسب زننده یا مقاوم کننده در عملشان داشته باشد.

ضمانت اجرای غیررسمی ممکن است از یک سو فرایند جامعه‌پذیری در فرد ایجاد کند (جنبش مرکزگرا - مرکز ما هنجارهاست) و برعکس از سوی دیگر، وقتی ضمانت اجرای گروه عکس انتظار ما را برآورد و فرد را در مجرمیت مقاوم و مستقر کند و به او آنگ مجرمانه زند ما شاهد جنبش مرکزگرای هستیم.

سرزنش و ملامت نسبت به یک فرد متخلف چنانچه همراه با تمهیدات و قیودی باشد مؤثر است و برعکس، صرف مجازات، بدون رعایت لوازم ضمانت اجرا، ممکن است برچسب زننده باشد و باعث تکرار جرم شود.

(فرق ضمانت اجرای غیررسمی با رسمی اینست که وقتی در کار خود موفق نیستند نوبت به ضمانت اجرای رسمی می‌رسد.)

تأثیر مثبت یا منفی ضمانت اجرای غیررسمی: مطالعه‌ای در شهر ماریس راجع به زندانیان توسط مؤسسه جرم‌شناسی ماریس انجام شده است (۱۹۷۹) در این تحقیق بررسی می‌کنند چه تعداد افراد در آخر هفته به ملاقات زندانیان می‌آیند. تحقیق نشان می‌دهند، خانواده‌ها به خاطر ملاقات زندانی از لحاظ عاطفی یا تشویق او در ترک بزهکاری، در محکومیت بار اول مرتباً به دیدار او می‌رفته‌اند ولی اگر برای بار چندم مرتکب جرم می‌شد، تعداد ملاقات‌ها کم می‌شده‌اند و توجه خانواده‌ها نسبت به آنها کم می‌شده است. این عدم ملاقات خود نوعی نکوهش و سرزنش تلقی می‌شده است و این خود علت جدید می‌شده که زندانیان در دنیای تبهکاری باقی بمانند و حمایت سنتی را از دست بدهند و این خود نوعی آنگ زنی و انحراف قانونی است. در نتیجه، سرزنش و ملامت گاه جنبه سازنده و نجات دهنده دارد و گاه جنبه انقطاعی دارد این سرزنش از طریق عدم ملاقات، نوعی پاسخ انقطاعی بوده است. ضمانت اجرای غیر رسمی که معمولاً از اطرافیان و والدین آنها ناشی می‌شود، تحریک و ترغیب اعضا

۱۰۰۶ مباحثی در علوم جنایی

تربیتی قوی دارند، نکوهش کار ساز است چرا که فرد مورد ملامت از اینکه آبرو و هویت خود را از دست بدهد، می‌هراسد ولی آنها که پیش زمینه ضعیفی دارند تحت تاثیر ضمانت اجرای غیر رسمی قرار نمی‌گیرند و این ضمانت اجراها آنها را هنجار گریز می‌کند در مورد این دسته اخیر صحبت از پیشگیری وضعی یا توانگیری مجرمانه (سلب توان بزهکاری) شده است.

۲- پیشگیری وضعی

افرادی که در زندگی دچار خلا شده‌اند و از ضمانت اجرای غیر رسمی منتفع نشده‌اند، آنی نگرند و قدرت درک ندارند و در دوران طفولیت زودتر از سن متعارف مرتکب جرم و نابهنجاری اجتماعی شده‌اند و مورد سرزنش قرار گرفته‌اند ولی به جرم ادامه داده‌اند. در مطالعات کانادائی‌ها و آمریکائی‌ها، کسانی که در بزرگسالی مرتکب تکرار جرم می‌شوند، کسانی اند که زودتر از سن متعارف مرتکب جرم شده‌اند و زودرس و زود هنگام مبتلا به نابهنجاری شده‌اند و چنانچه در آن زودرسی مجرمانه مشمول اقدام‌های زود هنگام پیشگراانه شوند، در چند سال بعد به بزهکار مکرر و مزمن تبدیل نمی‌شوند. پیشگیری زودرس اقداماتی است که امروز نسبت به آقای الف، خانواده او، مربیان او و ... اعمال می‌شود تا در چند سال آینده ما بزهکار مزمن نداشته باشیم. فرق پیشگیری زودرس با پیشگیری‌های دیگر اینست که نتیجه پیشگیری‌های متعارف برای الان است ولی پیشگیری زودرس به آینده توجه دارد. چنانچه پیشگیری زودرس انجام نشود، بخشی از این اطفال بزهکار مزمن و مکرر می‌شوند و برای این قبیل مجرمین دو راه حل است:

الف - اعمال اقدامات وضعی که ناظر به اوضاع و احوال مشرف به جرم و ماقبل بزهکاری است،

ب - در صورت عدم کارائی این اقدامات، ختنی کردن و طرد کردن فرد را باید دنبال کرد.

جرم‌شناسی ۱۰۰۷

پیشگیری وضعی، پیشگیری مادی و مکانیکی و مقطعی است و راه حل نهایی نیست. پیشگیری وضعی اقداماتی است که در محل‌های وقوع جرم یا در آستانه جرم انجام می‌شود که هدف از آن اینست که بزهکار بالقوه با رویت آن اقدام‌ها چنین نتیجه بگیرد که با دستبرد به آن آماج چیزی بدست نمی‌آورد و احتمال دستگیری و محکومیت دارد. در پیشگیری وضعی به جای اثرگذاری بر شخصیت فرد و تغییر آن، که زمان می‌برد، می‌خواهیم با ایجاد تغییر در موقعیت ماقبل جرم، پروسه تصمیم‌گیری مجرم را تغییر بدهیم پس شخصیت ثابت است و موقعیت‌ها عنصر متغیر است در پیشگیری وضعی ایراد گرفته شده است که در مورد دو طبقه از مجرمین کارساز نیست:

۱- مجرمین خردمند که می‌توانند مثلاً قفل اتوماتیک را از کار بیندازند،

۲- مجرمین نابخرد، صغیر، مختل‌المشاعر و ...

در پیشگیری‌های دیگر بر شخصیت فرد تاثیر می‌گذاریم و می‌خواهیم او را باز اجتماعی کنیم ولی در پیشگیری وضعی سبیل و آماج ما برای همیشه ممکن است مصون از جرم باشد ولی تمایلات مجرمانه تغییر نمی‌کند و وجود دارد پیشگیری وضعی به دنبال حمایت از بزه دیده است و دستاورد آن بزه دیده شناسی حمایتی است و گرانیگاه آن بزه دیده است.

مراد از پیشگیری وضعی، اقدامات غیر کیفری است که هدف آنها ایجاد تغییر در وضعیت‌ها و اوضاع و احوال ما قبل جرم است یعنی وضعیت‌هایی که در شرایط عادی جرم در آنها اتفاق می‌افتد. انجام این اقدامات وضعی، سبب جلوگیری از تحقق اندیشه و عمل می‌شود و فرایند گذر اندیشه به عمل را عقیم می‌کند. اقدامات وضعی می‌خواهند که آن دسته از آماجی که در دسترس مجرمین و مطلوب آنها هستند را حذف کنند و مناسبات ارتکاب جرم را حذف کرده و ارتکاب جرم را مشکل و خطرناک کند و سودآوری جرم را کم کند. برای تحقق این اهداف اقدامات پیشگیرانه

۱۰۰۸ مباحثی در علوم جنایی

متوجه قربانیان بالقوه جرائم است و متوجه آماج بالقوه جرم است. در پیشگیری وضعی همه شهروندان، کالاها و ... آماج بالقوه جرم‌اند و همه باید مراقب اموال خود باشند و یک نوع پدیده «حمایت از خود» باید محقق شود. در پیشگیری وضعی وقتی جامعه مدنی اقدام به آن می‌کند، شاهد تحقق امنیت خصوصی هستیم و کار پلیس و ... را کم کرده است و زمینه وسوسه مجرمانه را کم کرده‌اند.

از نظر پیشگیری وضعی علت شدید بودن سرقت حدی این بوده که بزه دیده در حمایت از مال خود اقدام کرده است و لذا شکستن حرز ارتکاب یک سلسله اعمال را می‌طلبد و به همین خاطر مرتکب دست به اسلحه می‌برد، که سرقت مشدد می‌شود.

پیشگیری وضعی ابتدا در جامعه مدنی و بخش خصوصی باب شد ولی به تدریج دولت و نهادهایی که در تامین امنیت ذی‌مدخل‌اند به آن توجه کرده‌اند به گونه‌ای که امروزه پیشگیری وضعی در برخی موارد جنبه اجباری و قانونی یافته است مثلاً وقتی شرکت صنایع به سازنده‌های اتومبیل قانوناً ابلاغ می‌کند که نصب دزدگیر در ماشین اجباری است و ... اینجا پیشگیری جنبه رسمی و دولتی می‌یابد. لذا پیشگیری وضعی در عمل ابتدا توسط جامعه مدنی و عقل سلیم رواج یافت ولی امروزه در سطح قانونگذاری توسعه می‌یابد. تامین امنیت جامعه و اموال و اشخاص تا حدی قانوناً از وظایف بخش خصوصی نیز هست و امروزه صد در صد در انحصار دولت نیست نظریه پیشگیری وضعی یا مبنای آن اینست که چون اقدام‌های وضعی جنبه ملموس دارد لذا می‌تواند برای آن دسته از افرادی که ناتوان از عبرت آموزی از مجازات‌ها هستند یا برای اشخاصی که نسبت به ضمانت اجراهای اخلاقی و غیر رسمی حساس نیستند در نظر گرفته شود. در پیشگیری وضعی فرد بزهکار در مقابل واقعیتی - مانع بیرونی - قرار می‌گیرد که اگر به رغم این اقدامات وضعی تصمیم به ارتکاب جرم بگیرد، طرح او شکست بخورد و عقیم باقی بماند. پیشگیری وضعی، مبتنی بر آینده

جرم‌شناسی ۱۰۰۹

نگری مجرم و ضریب هوشی بالای او نیست و خطاب به کسانی است که بر حسب تلاش و زحماتی که باید بکشند و سودی که منتظر آنهاست، تصمیم می‌گیرند.

در مورد آن دسته از جرائمی که جنبه ناگهانی ندارند و مبتنی به رابطه میان بزهکار و بزه دیده است، می‌توان گفت که پیشگیری وضعی کارساز است مثلاً در قتل‌هایی که بین قاتل و مقتول رابطه زناشویی بوده است، زیرا این قتل نمود رابطه‌ای است که در یک نقطه دچار بحران شده و در نقطه قتل به اوج خود رسیده است. در بحث فرایند، عنصر زمان نقش مهمی دارد یعنی یک جنبش و تحرک و پویایی، لذا در بحث قتل فرایند بحرانی شدن رابطه در زمان آغاز و مراحل مختلفی را طی کرده و به قتل منجر شده است. وخیم شدن بحران قابل پیشگیری بوده است. پیشگیری وضعی در اینجا جدا کردن موقت زن از مرد است که نوعی اقدام تامینی است.

پیشگیری وضعی روی دو محور کار می‌کند: ۱- شخصیت فرد، ۲- متغیرهای مربوط به اوضاع و احوال ما قبل جرم که اینها در فرایند تصمیم‌گیری مجرمانه، تغییر ایجاد می‌کند. بحث روان‌شناختی فرد مورد توجه ماست. جامعه‌شناسانی که روی پیشگیری وضعی کار کردند، سه موضوع را مطرح کردند:

۱- پیشگیری وضعی مبتنی بر اصل حداقل تلاش است یعنی بزهکار در مقابل اندک مانع، از گذر اندیشه به فعل صرف نظر می‌کند چرا که بنا ندارد تلاش زیاد کند و فرض بر اینست آنها تنبل‌اند.

۲- قانون حداقل ریسک و خطر پذیری، بزهکار وقتی وضعیت ما قبل بزهکاری برای او خطرناک است عقب نشینی می‌کند که گذر از اندیشه به فعل را متوقف کند

۳- اصل کسب بیشترین سود در کوتاه‌ترین مدت یعنی چنانچه ما بتوانیم سودآوری ناشی از جرم را برای مباشر جرم کاهش دهیم وی از انجام جرم منصرف می‌شود.

۱۰۱۰ مباحثی در علوم جنایی

محققین آمریکائی بر روی شعار نویسی و نقاشی بر روی دیوارها تاکید کرده‌اند در تحقیق‌ها مشخص شده‌اند که اگر ماموران با دیدن شعار بر روی دیوار آنرا بلافاصله پاک کنند، شعار نویس‌ها چون از لذت ناشی از نوشتن شعار محروم می‌شوند به مرور زمان از نوشتن شعار منصرف می‌شوند. این سه مورد، پیشگیری وضعی را برای ما مشخص می‌کنند.

اعتبار عملی پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی دارای کارکرد عملی است که برای بزهکاران مزمن و اتفاقی موثر است. بزهکار مزمن لحظه نگر است و کنترل خود را از دست داده است. بزهکاری اتفاقی حرفه‌ای نیست و با مانع منصرف می‌شود. بزهکار مزمن با رویت مانع دنبال پروژه خود نمی‌رود چرا که هزینه‌ها بیشتر از مورد است. تدابیر وضعی را در شش گروه مورد برآورد قرار داده‌اند یعنی مطالعات ارزیابی کننده پس از اجرای یک طرح، بعد از مدتی که از اجرای پروژه گذشت انجام شد تا دیده شود نیروی انسانی سرمایه‌گذاری شده بر نتیجه حاصله قابل مقایسه است و آیا درون داد با برون داد قابل مقایسه است. تمام این برآوردها پیشگیری وضعی را نتیجه داده است:

۱- گروه اول نظارت و کنترل است: یعنی مجموعه امکانات و وسائلی که به مامورین و شهروندان اجازه می‌دهد که حضور بزهکاران بالقوه یا بزهکاری بالفعل را شفاف و روشن کند مانند حضور سرایدار و ... که عوامل هشدار دهنده‌اند یا دروازه مغناطیسی، گارد حفاظت از پرواز و ... با نظارت و کنترل، فضاهای قابل دفاع ایجاد می‌کنیم.

۲- حفاظت فیزیکی که در کشور ما بیشتر مربوط به مسولین است. حفاظت فیزیکی ناظر به ساختمان‌ها، بانک‌ها و ... است حفاظت فیزیکی تحت عنوان تقویت آماج جرم مورد نظر قرار می‌گیرد مانند نصب حفاظ آهنی، قفل محکم، شیشه ضد گلوله و ... که همه اینها روند ارتکاب جرم را مشکل می‌کند.

جرم‌شناسی ۱۰۱۱

۳- کنترل ورودی‌ها که فی‌الواقع امروزه از طریق کد دار کردن درهای خانه، خودرو، استخدام نگهبان و ... صورت می‌گیرد.

۴- منحرف کردن بزهکار از سبیل مورد نظر، در اغلب جرائم ارتكابی بین بزهکار و بزه دیده (سبیل جرم) یک نوع تقارن زمانی و مکانی وجود دارد اگر ما نتوانیم مجرم را نسبت به سبیل جرم نا متقارن کنیم لاقلاً می‌توانیم با تغییر ساعات عبور و مرور سبیل یا تغییر مکان او، سبب شویم در موقع مقرر سبیل مجرمانه وجود نداشته باشد تا جرم رخ دهد. در بازی‌های فوتبال در انگلستان این مورد پیاده شده و جواب داده است در آنجا ترتیبی داده‌اند که ورود تماشاچیان دو تیم با فاصله زمانی باشد آنهم بوسیله اتوبوس‌های رایگان که مانع از زد و خورد و تخریب می‌گردد.

۵- بی‌انگیزه کردن مجرم که تحت عنوان حذف یا تقلیل آماج یاد می‌شود که پائین آوردن سود ناشی از جرم است مثلاً اگر خودرو سبیل مجرمانه است کافی است در خورد و وسائل الکترونیکی نامرئی تعبیه شود که مالک بتواند با دستگاه کنترل از راه دور خودرو خود را محل‌یابی کند. چون این وسایل مورد منافع ناشی از جرم را کم می‌کند، بسیاری از مجرمین از سرقت خودرو صرف نظر می‌کنند. می‌شود جاذبه سبیل مجرمانه را کم کرد یا مانند پاک کردن دیواری که شعاع‌نویس‌ها روی آن شعار می‌نویسند.

۶- حذف ابزار و آلات جرم (کنترل ابزار) در مورد حذف ابزار و ادوات جرم از هر طریق می‌تواند صورت بگیرد:

الف - از طریق قانونگذاری

ب - مادی و عملی

در مورد اول می‌توان به جرائم مانع اشاره کرد که اینها جرائمی‌اند که نه به لحاظ قبح خود آن جرائم یا مضر و خطرناک بودن آنها، بلکه به منظور پیشگیری از وقوع

۱۰۱۲ مباحثی در علوم جنایی

جرائم خطرناک و شدید در آینده، آن عمل و حالت را قانونگذار جرمی می‌داند مانند حمل اسلحه غیر مجاز که به منظور جلوگیری از سرقت مسلحانه و ... است.

پیشگیری وضعی، لحظه‌ای جواب می‌دهد و نوعی پیشگیری غیر کیفی است. پیشگیری اجتماعی در مقام سالم سازی جامعه در آینده است و هدف مرعوب کردن بزهکاران بالقوه است.

(پیشگیری زودرس ناظر به جلوگیری از مزمن شدن بزهکاری در سالهای آینده است و یعنی جلوگیری از بزهکاری مزمن، به عادت و مقاوم در چندین سال آینده است. پیشگیری وضعی ناظر به بزهکاران اتفاقی و مزمن است)

پیشگیری وضعی بر بزه دیده مداری استوار است و سایر پیشگیری‌ها مجرم مدار است. پیشگیری وضعی با تقویت و حفاظت از آماج جرم به طور غیر مستقیم به کاهش جرم کمک می‌کند و فرایند بزه دیده شدن را عقیم می‌کند. در مورد پیشگیری چند ایراد مطرح شده است:

۱- بالا بودن هزینه است که مستلزم سرمایه‌گذاری دولت و مردم است و هزینه بردار است و مستلزم استفاده از تجهیزات رایانه‌ای است و در نتیجه یک نوع امنیت طبقاتی ایجاد می‌کند و اشخاص و دولت و موسساتی که بودجه لازم دارند، خود را مصون تر می‌کنند و در نتیجه آماجی که تقویت نشده‌اند مورد تعرض مجرمین قرار می‌گیرند.

۲- پیشگیری وضعی به نوعی سبب تعمیم بهای کنترل جرم بر افراد درستکار و افراد غیره بزه دیده می‌شود زیرا پیشگیری وضعی مستلزم سرمایه‌گذاری دولت است. دولت سرمایه خود را از مردم تهیه می‌کند. در نتیجه بودجه امنیتی و حفاظتی پیشگیری وضعی شامل کسانی می‌شوند که دارا هستند ولی به هر حال افراد دیگر هم باید در آن شرکت کنند.

جرم‌شناسی ۱۰۱۳

۳- اقدامات وضعی بازمان فرسوده می‌شوند و کارایی خود را از دست می‌دهند زیرا بزهکاران از فن‌آوری برای خشی کردن اقدامات موجود استفاده می‌کنند در نتیجه بین بزهکاران و تکنولوژی حفاظت از آماج جرم نوعی رقابت وجود دارد.

۴- اقدامات وضعی همه آماج جرم و همه فضاهای جاذبه‌دار برای مجرمین یکسان حفاظت نمی‌کند چرا که اگر ما عملیات بانکی، داد و ستد خود را با کارت اعتباری انجام دهیم و به این ترتیب جیب‌زنی نسبت به ما رخ ندهد به این معنا نیست که مجرمین به آماج دیگر که سود آورند ولی از آنها حفاظت نمی‌شود دستبرد نزنند و تحقق پدیده جابجائی رخ می‌دهد ولی به طور کلی، نتایج مطالعات سنجشی نشان می‌دهد که پدیده جابجائی صد در صد نیست و دسته کمی از مجرمین مسلم، با رویت سیبل حفاظت شده آماج دیگری برای ارتکاب جرم پیدا می‌کنند ولی با توجه اینکه مجرمین مزمن فرصت طلب‌اند و همت کم دارند و لحظه نگرند و مصمم نیستند از ارتکاب جرم منصرف می‌شوند ولی بالا‌فاصله به ارتکاب جرم دیگر نمی‌پردازند و جابجائی محدود است.

۵- یکی از معایب پیشگیری وضعی ملاحظات حقوق بشری است همانطور که در حقوق جزا و آئین دادرسی کیفری صحبت از حقوق آزادی متهم می‌شود و اصل برائت، اصل علنی بودن، تدافعی بودن و ... به عنوان اصول دادرسی عادلانه در مقام حفظ حقوق متهم است و اصل بر اینست که آزادی رفت و آمد و خلوت زندگی افراد نباید در هر حال مخدوش شود، همین بحث در باب پیشگیری مطرح می‌شود چون پیشگیری وضعی ذاتاً آزادی رفت و آمد و خلوت خصوصی افراد را تا حد زیادی تحت الشعاع قرار می‌گیرد و آنها را از حقوق شان محروم می‌کند، عقیده بر اینست که اگر چه پیشگیری وضعی در جرائم اموال و با سبق تصمیم موثر است، ولی حقوق بشر را خدشه‌دار می‌کند و جامعه را دژگونه می‌کند پس وارد زندگی خصوصی افراد می‌شود و بخش‌های خصوصی را شفاف می‌کند و آزادی رفت و آمد را محدود

۱۰۱۴ مباحثی در علوم جنایی

می‌کند. مثلاً ما برای اینکه خودرو خود را مصون از سرقت کنیم، آنرا مجهز به دزدگیر می‌کنیم ولی همواره ما دغدغه داریم که خودرو به سرقت نرود و صدای دزدگیر سکوت محله را از بین می‌برد. استخدام نگهبان مفید است ولی در جریان زندگی خصوصی افراد قرار می‌گیرد و چه بسا سوء استفاده کند. پیشگیری وضعی بیشتر جامعه دژگونه و پادگانی ایجاد می‌کند و مولفه امنیت سایر خصوصیات زندگی را تحت الشعاع قرار می‌گیرد.

مزایای پیشگیری وضعی

مطالعات میدانی در آمریکا نشان می‌دهد که اجرای طرح پیشگیری وضعی در محله خاص سبب می‌شود که آثار پیشگیرانه آن طرح به فضاها و محله‌های مجاور نیز تسری پیدا کند مثلاً اگر ما در کوچه‌ای اقدام به تقویت روشنائی کنیم، محله‌های دیگر از آثار آن متأثر می‌شوند، پدیده شفاف سازی و ترس از دستگیری و شناسائی به محله‌های مجاور نیز تسری پیدا می‌کند زیرا پدیده روشنائی، وحشت و بیم ناظر به شناسائی فرد را زیاد می‌کند. در پیشگیری وضعی، پدیده تقلید صادق است از دو جهت:

۱- از جهت بزه دیدگان بالقوه که با رویت کارائی اقدامات وضعی، سیبل خود را تقویت می‌کند مانند نصب نرده و ...

۲- از جهت مجرمین هم موثر است چرا که شکست مجرمین با اجرا در آوردن اقدامات وضعی موجب درس و عبرت دوستان و نزدیکان مجرمین می‌شود و سایر افراد را منصرف می‌کند و مزیت اجتماعی دارد و نا امنی ضمنی ایجاد می‌کند.

پیشگیری وضعی، مزیت دیگری دارد و اینکه نوع اقدامات پیشگیرانه بر حسب شدت جرم تفاوت دارد و هر چه جرم شدیدتر باشد، پیشگیری وضعی قوی‌تر است جرم شناسان علت پائین بودن برخی از جرائم را به خاطر بالا بودن اقدامات

جرم‌شناسی ۱۰۱۵

پیشگیرانه وضعی نسبت به سیل‌های آن جرائم می‌دانند تراکم و شدت اقدامات پیشگیرانه تابعی از ارزش آنچه در مقام حفاظت از آن هستیم، می‌باشد.

پایین بودن سرقت مسلحانه از بانک و جواهر فروش‌ها و موسسات اعتباری ناشی از اقدامات وضعی است که آنها اعمال می‌کنند. پیشگیری وضعی قبل از طرح در جرم‌شناسی در جامعه مدنی از دیرباز وجود داشته است اقدامات پیشگیرانه وضعی کلیه اقدامات مادی است که خارج از فرد صورت می‌گیرد ولی به فرد نزدیک است

۳- طرد

روش مادی دیگر خارج از فرد به عنوان پیشگیری، سلب توانائی مجرمانه از افراد (توانگیری از مجرم و طرد و خشتی سازی) است یعنی خارج کردن دائمی یا موقت مجرم از ارتکاب جرم و اضرار به دیگران:

طرد یا خشتی کردن معمولاً به معنای ایجاد مانع فیزیکی بر سر راه ارتکاب جرم برای مجرم است. در طرد محور ما مجرم است. طرد مجرم چند حالت دارد:

۱- اعدام و سلب حیات از مجرمین مکرر خطرناک

۲- تبعید یعنی محدود کردن آزادی رفت و آمد از لحاظ جغرافیائی

۳- حبس ابد یا موقت

۴- عقیم کردن یا اخته کردن یا سترون کردن (زنان)

روش اخیر که جزء تاریخ حقوق جزاست در کشورهای اروپائی تا سالهای هفتاد اعمال می‌شده است زیرا عده‌ای از مجرمین که از لحاظ مکتب تحقیقی خطرناک محسوب می‌شوند و نسبت به آنها در آینده امیدی نیست باید آنها را خشتی کرد و عقیده (داروین) بر این بوده که مجرمین از نیاکان مجرم‌زاده شده‌اند.

ژن مجرمانه در آنهاست و در صورت ازدواج فرزند مجرم ایجاد می‌کنند، باید مجرمین را عقیم کرد. برخی افراد مانند دائم‌الخمرها حتی اگر مرتکب جرم هم نشده

۱۰۱۶ مباحثی در علوم جنایی

باشند چون دارای حالت خطرناک بوده‌اند دولت می‌توانسته آنها را عقیم کند. این دو روش امروزه کنار گذاشته شده است و غیر انسانی است.

شکل دوم، مانع مادی خارجی که نزدیک به افراد است، بحث ناتوان سازی یا خشتی سازی است. چه در باب پیشگیری وضعی و چه در اینجا، ما با بزهکاران مزمن و اتفاقی روبرو هستیم.

(بزهکار به عادت، بزهکار حرفه‌ای نیست. بزهکار حرفه‌ای مقابل بزهکار مزمن است. بزهکار به عادت نوعی بیمار است).

اصولاً سلب توان بزهکاری از بزهکار عبارت است از خارج کردن وی از حالت خطرناک به طور موقت یا دائم یا خارج کردن او از حالت ارتکاب جرم یا خارج کردن او به طور موقت یا دائم از حالت اضرار به دیگران، که معمولاً در سلب توان بزهکاری بیشتر یک نوع خشتی سازی یا طرد موقت به کار گرفته می‌شود زیرا بزهکاران‌ای که مشمول این موردند، در یک دوره در اوج بزهکاری‌اند و باید در این دوره آزادی آنها سلب شود یا اگر مجازات اعدام است، آنها را از حالت اضرار خارج می‌کنند.

در توانگیری مجرمانه از دو شیوه استفاده می‌شود:

۱- روش حبس سنتی و طرد وی از جامعه

۲- حبس‌های خانگی از طریق کنترل الکترونیکی از راه دور

روش حبس معلوم است ولی روش دوم که تحت عنوان نظارت و کنترل الکترونیکی **electronic Monitoring** خلاصه می‌شود در نصب یک گردن بند یا مچ بند یا پابند به مجرم و همزمان نصب دستگاه الکترونیکی که با آن دست بند همخوانی داشته باشد تا پلیس بتواند رفت و آمد او را از راه دور کنترل کند.

چرا به این شیوه رو آورده شده است؟

۱- بالا بودن هزینه زندان برای بودجه عمومی (مسائل اقتصادی)

۳- فساد داخل زندان

۴- مشکلات خانوادگی و اجتماعی برای کسانی که تحت تکفل آنها هستند

۵- شکست سیاست اصلاح و درمان

۶- امتیازاتی که زندانی از دست می‌دهد و محرومیت‌های شغلی و اجتماعی

به همین خاطر امروزه به جای زندان سنتی، حبس‌های خانگی و غیرکیفری مطرح شده است. در بحث ما سلب توان بزهکاری مطرح است. در اینجا حبس‌های خانگی توانسته معایب را برطرف کند ولی هزینه زیادی را در پی داشته‌اند:

۱- هزینه نگهداری صد زندانی در یک منطقه که مشمول خرید دستگاه و آشنائی پرسنل با کار دستگاه‌ها و آمادگی خود مجرم به تحمل حبس در خانه
۲- در اینجا نوعی کیفر مشارکتی وجود دارد و دولت و جامعه برای حبس‌های خانگی همکاری می‌کنند.

زندانی در خانه، حق کار، حق خروج از محدوده خاصی را ندارد و حق ملاقات و پذیرائی مهمان، استفاده از مشروب و ... را ندارد

از طریق نصب تلفن، در محل، پلیس می‌تواند تشخیص دهد که آیا زندانی مشروب مصرف کرده است یا خیر.

در اینجا در مقام کیفر و مجازات بزهکار هستیم ولی در پیشگیری وضعی در مقام پیشگیری از جرم هستیم.

با روی کار آمدن دستگاه‌های الکترونیکی جدید، به بزهکار اجازه می‌دهند کار کند که به آن حبس نیمه آزادی می‌گویند. حبس خانگی محکوم را در چارچوب زندان ابقاء می‌کند ولی محل اجرای حبس خانه و مسکن اوست.

در آمریکا در سال ۱۹۹۸، بیش از صد هزار محکوم حبس خود را در خانه متحمل می‌شدند.

محکومینی مشمول حبس خانگی می‌شوند که مورد اعتماد باشند و در برخی نظام‌های حقوقی حبس خانگی توافقی است و عدم رعایت قواعد و چارچوب نظام زندان‌ها، مشمول ضمانت اجرا و حبس در زندان (حبس عادی) می‌شود.

بحث خنثی سازی یا طرد صرفاً سلب آزادی فرد در زمان است و امروزه حبس‌های خانگی جای حبس‌های سنتی را گرفته است.

استفاده از این وسایل مشکلاتی دارد:

۱- مساله آموزش پرسنل زندانبان چرا که جزء سازمان زندانهاست

۲- خرید وسایل و تجهیزات

۳- اداره و اجرای این برنامه‌ها

بحث ما درباره کنترل‌های از راه دور و راه نزدیک تمام شد.

خلاصه گفتار اول

ما ابتدا بحث کارائی و تاثیر عدالت کیفری را مطرح کردیم و گفتیم چون بین زمان ارتکاب جرم و اجرای مجازات فاصله است لذا افراد از لحاظ ذهنی، مجازات را دور تلقی می‌کنند و خود را مبرا از مجازات می‌دانند. برای این افراد کنترل از راه نزدیک یا همجوار را بررسی کردیم که شامل اقدامات و عواملی می‌شود که منشا و مبدا آنها با فرد فاصله‌ای ندارد که درباره عوامل درونی شده (اخلاقیات فردی) که از طریق تربیت، تشویق و تقبیح اولیا در فرد ایجاد می‌شود و عوامل خارجی مادی به عنوان مانع جرم صحبت شد. در این چارچوب از پیشگیری وضعی و طرد و خنثی سازی صحبت شد. بحث زندان و حبس خانگی و سلب آزادی مطرح نیز شد.

گفتار دوم: طرز کار عدالت کیفری

برای اجرای کیفر چه کنشگرانی علیه جرم بسیج می‌شوند که در اینجا دو مطلب مطرح می‌شود:

جرم‌شناسی ۱۰۱۹

۱- واکنش‌های اجتماعی دولتی ۲- واکنش‌های اجتماعی خصوصی و مردمی. واکنش اجتماعی به جرم در ذهن با دولت، پلیس و ... تداعی می‌شود. به محض بحث مبارزه با جرم، بحث امنیت عمومی و بحث انحصار و اختیارات انحصاری دولتی در بحث امنیت عمومی به ذهن می‌آید. تامین امنیت عمومی یعنی مبارزه با مجرمین است. حق تنبیه، حق مجازات و ... دولت به نمایندگی از مردم از آن خود کرده است و دولت خود را صالح می‌داند، دولت بر حسب تصویری که از قدرت خود دارد و برداشتی از آزادی و قدرت دارد، نگرش خود را درباره امنیت عمومی تنظیم می‌کند. در نظامی که قدرت بر آزادی توفیق دارد عدالت کیفری اقتدارگر است و مردم و جامعه مدنی در عدالت کیفری و مجازات نقش اساسی ندارند ولی در آنجا که آزاد محوری وجود دارد، رژیم سیاسی و دولت، حضور مردم را در مجازات‌ها قبول می‌کند، در چنین نظام‌هایی دولت تامین بخشی از امنیت بوسیله جامعه مدنی را می‌پذیرد و مشارکت بخش خصوصی را در پیشگیری از جرم توصیه می‌کند و بهای جرم را روی افراد ذی نفع سرشکن می‌کند. تاریخ حقوق نشان می‌دهد که عدالت کیفری امنیت عمومی را به شکل اشتراکی تصور نمی‌کرده است تا پنج قرن پیش (قرون وسطی) متولی امنیت عمومی جامعه مدنی و مردم بوده‌اند بنابراین عدالت جنبه خصوصی داشته است و دوئل و اوردالی از وسائل تضمین امنیت بوده‌اند. دلایل به دو دسته بوده‌اند: ۱- ادله کیفری عقلانی و منطقی ۲- ادله کیفری غیر عقلانی، ادله کیفری عقلانی شامل اقرار، شهادت و سوگند و ادله نوع دوم اوردالی و دوئل بوده است که اوردالی عموماً به عهده متهم گذاشته می‌شود و اماره مجرمیت وجود دارد و متهم باید در آزمایشی شرکت می‌کند. نوع دوم مشارکتی است که بار دلیل تقسیم می‌شود بین اتهام زننده و متهم که به دوئل قضائی گویند). در دوران قرون وسطی مدیریت جرم و اداره پدیده بزهکاری و حل و فصل آن به عهده مردم بوده است ولی به تدریج در پنج قرن اخیر، با پیدایش دول مرکزی و تمرکز قدرت در مرکز، کلیه مسائل مربوط

۱۰۲۰ مباحثی در علوم جنایی

به رسیدگی و مبارزه با جرم به دولت منتقل می‌شود و عدالت دولتی می‌شود. در اینجا است که دوئل و بحث اوردالی و بحث دفاع شخصی از خود و عدالت خصوصی کنار گذاشته می‌شود و عدالت عمومی، پلیس، ژاندارمری و ... مطرح می‌شود. از بقایای دوره قرون وسطی می‌توان به دفاع مشروع اشاره کرد. که ریشه در زمانی دارد که افراد در هنگامی که دولت نبوده با مجرم مبارزه می‌کرده‌اند. دفاع از خود امروزه تحت شرایطی پذیرفته شده است. دفاع مشروع ریشه در عدالت خصوصی و دفاع شخصی در اعصار گذشته دارد. توانائی دولت در مبارزه با جرم حد و توان خود را نشان داده و نتوانسته جامعه را در مقابل جرم مصون کند. ظهور ارزش‌های جدید و تولیدات جدید، زمینه‌های جرم را متنوع کرده است. رشد جمعیت تابعان حقوق جزا را افزایش داده است. جمع تابعان حقوق جزا با تولیدات و ارزش‌های جدید به انحراف و بزهکاری و دامن زده است و امروزه صحبت از بحران حقوق کیفری می‌شود که مراد بحران تورم جمعیت کیفری است. در کشور ما فضای زندان سه برابر فضای عادی خود، زندانی دارند.

بعد از جنگ دوم جهانی، دولت‌ها برخی وظایف خود کنترل جرم را به بخش خصوصی واگذار می‌کنند و بخش خصوصی در عدالت کیفری و پیشگیری فعال می‌شود این موضوع را می‌توان در مراحل مختلف رسیدگی کیفری ملاحظه کرد:

۱- در مرحله تعقیب می‌توان به نهاد میانجی‌گری اشاره کرد و به جای صدور قرار کیفرخواست، قرار میانجی‌گری صادر می‌شود.

۲- در مرحله محکمه، حضور هیات منصفه در دادگاه جنائی نمادی از حضور مردم و بخش خصوصی است.

۳- در مرحله اجرای مجازات، دولت بخش خصوصی را به کمک می‌گیرد مانند حبس خانگی یا در آمریکا به بحث خصوصی سازی زندان، پس ما می‌خواهیم از

جرم‌شناسی ۱۰۲۱

یک سو به ضمانت اجرای کیفری از لحاظ عملکرد توجه می‌شود و سپس تامین امنیت بوسیله بخش خصوصی مطرح می‌شود:

۱- مشارکت سازمان یافته و قانونی بخش خصوصی

۲- مشارکت خود جوش و طبیعی بخش خصوصی در تامین امنیت. امروزه امنیت عمومی دیگر حتی در دولت از مضامین صرفاً قضائی - پلیسی نیست و کلیه نامزدهای انتخاباتی مانند نمایندگان مجلس برای جلب آراء مردم گفتمان امنیتی را به شهروندان پیشنهاد می‌کنند و بحث تامین امنیت مولفه و جنبه سیاسی یافته است.

در باب امنیت خصوصی، بازار و صنعت امنیت خصوصی بوجود آمده است و بخشی از اقتصاد هر جامعه حول مبارزه با جرم، تامین امنیت افراد و ... دور می‌زند و تکنولوژی و صنعت امنیت بوجود آمده است.

امروزه جرم علاوه بر اینکه پدیده مجرمانه است، پدیده سیاسی و اقتصادی است چرا که نه تنها نهادهای کیفری را بسیج می‌کند، موسسات مالی و سیاسی را بسیج می‌کند پس جرم چند عنصر دارد که یکی از آن کیفری است و عنصر دیگر سیاسی است و نماینده مجلس، شهردار و ... چون مشروعیت خود در انتخابات را از مردم می‌گیرد در سخنان خود جرم و امنیت مردم و خواسته‌های آنها را در این زمینه مطرح می‌گردد.

۱- ضمانت اجرای کیفری

مجازات و جرم زوج جدائی ناپذیری‌اند. در آثار بکاریا به همان میزان که به جرم پرداخته شده به مجازات هم توجه شده است و از اصل قانونی بودن جرم و مجازات صحبت شده است و به اصل تناسب و به وخامت جرم و شدت مجازات توجه کرده است. ضمانت اجرا پیوندش با جرم پیوندی تاریخی و قانونی است. گاه جرم و مجازات با هم هماهنگ نیستند زیرا کیفرها گاه به اتهام عدم کارائی و تاثیر در زمینه بازدارندگی عمومی زیر سوال می‌روند. مجازاتها زیر سوال می‌رود به طوری که

۱۰۲۲ مباحثی در علوم جنایی

امروزه در کنار مجازاتها نظام‌های کیفری تاکید بر کنترل اخلاقی فردی و موانع فردی در ارتکاب جرم یا پیشگیری وضعی می‌کنند. ضمانت اجرای کیفری علی الرغم این ضعف، یک زبان و وسیله ارتباطی است و حامل پیام ۱- تهدید ۲- یادآور اصول اولیه عدالت ۳- حامل حق ۴- تاکید کننده بر ارزشهای جامعه می‌باشد. زیرا عدالت کیفری در میان سایر عدالتها - مدنی - تجاری - شاخص‌ترین و رویت پذیرترین و پرتنشترین عدالتهاست. قوه قضائیه کشور ما به خاطر احکام کیفری در مظان بررسی روزنامه‌ها است به ندرت حقوقدانان و روزنامه نگاران رفتار مدنی قوه قضائیه را بررسی می‌کنند. زیرا عدالت کیفری شامل ابزار قهرآمیز است.

در کشورهای مردم سالار که انتخابات وجود دارد و مردم به طور غیرمستقیم در وضع قوانین شرکت می‌کنند، خواسته خود را از طریق نمایندگان درباره نوع و شدت مجازات به گوش قانونگذار می‌رسانند و قانون بیانگر نمود خواسته مردم درباره مجازات است. وقتی مجازاتی وضع می‌شوند و دکتترین با نقد آن راجع به شدت و حقانیت کیفر نسبت به متهم اظهارنظر می‌کنند. قوه قضائیه به خاطر محکومیت‌های کیفری در مظان نقد و بررسی است. جامعه مدنی و دولت از طریق مجازاتها گفتگو می‌کنند در نتیجه کیفر برخلاف قضاوت اولیه ما که حاصل صرف سلیقه قضائی قاضی است برآیندی از این گفتگو و نظریات مختلفی است که به دستگاه عدالت کیفری وارد می‌شود. کیفر زمانی که در قانون و رأی دادگاه می‌آید حاصل رویارویی تقابل فکری جامعه مدنی، قضات، وکلاء و ... طیف گسترده‌ای از جامعه است. مجازات از ملاحظات اجتماعی دور نیست و کیفر نمودی از حاکمیت ملی است و از ویژگی حاکمیت ملی دولتهاست. حق مجازات کردن و محاکمه کردن کیفری در وظایف غیرقابل تفویض دولت است. اصل ۳۶ ق.ا حکم را براساس قانون و دادگاه صالح می‌پذیرد ولی در عین حال کیفر حاصل رویارویی اشخاص و نهادهای مختلف

جرم‌شناسی ۱۰۲۳

است و محل تبلور دیدگاه‌های مختلف است. در کشورهای دیکتاتوری کیفر صرف برآیند قدرت مرکزی است. کیفر نماینده قدرت است.

۲- نهاد کیفری

کیفر دو جنبه دارد:

۱- جنبه باطنی ۲- ظاهری

بنتام معتقد است که کیفر دو وجه باطنی و ظاهری دارد. وجه باطنی احساسی است که مجرم از مجازات دارد. وجه ظاهری، احساسی است که تماشاچیان و اطرافیان و خویشان مجرم از مجازات دارند. در دیدگاه بنتام وجه ظاهری مجازات باید بر بعد باطنی غالب باشد. بنتام معتقد است مجازات باید اذهان عمومی را متأثر کند. ژان پرادل معتقد است بنتام به ظاهر مجازات اعتقاد دارد و معتقد است مجازاتها باید علنی باشد و رنج و مجازات آنها علنی و آشکار باشد. زندان باید رویت‌پذیر باشد و دیگران با رنگ دیوار زندان بدانند اینجا زندان است.

الف - در باطن، از یک سو مجازات سزادهی را دنبال می‌کند و به دنبال شکایت شاکی از دادگاه خواسته می‌شود که متهم تعقیب و زجر داده شود. جنبه سزادهی مجازات که ناظر به تن، روان و حقوق متهم است بعد سزادهی است که میزان و شدت آنرا مجرم درک می‌کند. این سزادهی نسبی است زیرا قدرت استدراک و برداشت مجرمین نسبت به دیگران متفاوت است. چه بسا مجرمی شلاق را رنج آور بداند و دیگری خیر. در ذات مجازات سزادهی است و مشروعیت خود را از بعد اخلاق می‌گیرد زیرا مبنای کیفر و مسئولیت کیفری اخلاقیات است در این چارچوب کیفر مادی با خطای اخلاقی است که پاسخ اخلاقی دیگر - مجازات - را می‌طلبد.

ب - دومین خصیصه مجازات یا روح کیفر در اینست که جرم ارزش‌های جامعه را نقض می‌کند که برای متوسط مردم محترم است. آزادی، مالکیت خصوصی و ...

۱۰۲۴ مباحثی در علوم جنایی

مبنای جرم‌انگاری قرار گرفته است و وقتی این ارزش‌ها نقض می‌شود، خشم اخلاقی در سطح جامعه ایجاد می‌شود.

ج - مجازات نمودی از قدرت عمومی است، چرا که در هنگام تعیین مجازات قاضی یک سویه تصمیم می‌گیرد. اگر چه برآیندی از فشارهای مختلف است ولی هیچگاه با مجرم معامله نمی‌کند. معامله اتهام در کامن لو وجود دارد به این صورت که پلیس با متهمی که چند جرم مرتکب شده بر سر یک اتهام معامله می‌کند و از تعقیب سایر اتهامات خودداری می‌کند. در سایر نظام‌ها مانند نظام ما کیفر بدون رضایت متهم است (به جز خدمات عمومی) و با دید خود قاضی تعیین می‌شود.

قدرت مجازات از کجاست؟ مشروعیت و اعتبار مجازات از کجاست؟

الف - مشروعیت مجازات از جهت دفاع از ارزش‌های اساسی - ارزش‌هایی که متوسط مردم به آن وابسته‌اند - است.

ب - عموم مردم، قانونگرا هستند و از اوامر نواهی قانون جزا پیروی می‌کنند.

ح - بعد از هر جرمی بلافاصله حقوق جزا آن جرم را مجازات می‌کند در نظام‌های سیاسی امروزی و بویژه در کشورهای مردم سالار مجازات حاصل تفکر و تصمیم یک فرد نیست بلکه کیفر حاصل یک معامله و مشاجره و سابقه سیاسی است. شدت مجازات در بعد قانونی گاه در جامعه نشانه‌ای از دیکتاتور ماب بودن دولتمردان باشد و آن دولتمرد در انتخابات رأی نمی‌آورد. در باب مجازاتها دولتمردان خیلی فعال و شفاف نیستند. در باب تامین امنیت قول می‌دهند ولی در باب مجازات شفاف اظهارنظر نمی‌کنند. در باب مقایسه سلاطین که مجازات شدید می‌دادند، امروزه مجلس و رئیس مهور و ... در ب سختگیری با قاطعیت سخن نمی‌گویند و مسامحه می‌کنند.

۳- مدیریت اداره تراکم کیفری

عدالت کیفری، در اکثر کشورها متراکم و پرکار است و همواره نوعی عدم تناسب بین نیازهای قضایی مردم و امکانات دادگستری وجود دارد. این تراکم پرونده‌ها و جمعیت در مراجع قضائی و کلانتری‌ها و دادسراها از نظر جامعه دور است و اکثر جامعه مادامی که سر و کارش به دادگستری نیافته از این تراکم بی‌اطلاع است. در نتیجه عدالت کیفری که دارای ابعاد سیاسی و قضایی بود، از لحاظ تاثیر تراکم در احکام مورد توجه قرار می‌گیرد. در بدو امر به نظر می‌رسد کلیه شکایات که اعلام می‌شوند سرانجام می‌یابند. این قضاوت عمومی است ولی اگر موردی، از افراد سؤال کنیم، متوجه می‌شویم بخشی از این شکایات سرانجام نمی‌یابد و در فرایند کیفری متوقف یا خارج می‌شود و این حاصل کار تراکم پرونده‌ها در مراجع است. به طوری که آمار نشان می‌دهد، در کلانتری‌ها بیشتر پرونده‌های تعیین تکلیف می‌شوند که راحت‌ترند حدود $\frac{1}{4}$ جرایم را پلیس کشف می‌کند و $\frac{3}{4}$ جرایم یا مجنی علیه اعلام می‌کند یا خویشان یا رهگذران یا شرکت بیمه و بیمارستان اعلام می‌کند. پلیس در جرایمی اقدام می‌کند که معمولاً مشهودند یا تصادفی به رؤیت پلیس می‌رسد و در سایر موارد در پی تلفن جنبه واکنشی دارد. پس جنبه کنشی اقدام پلیس $\frac{1}{4}$ است و $\frac{3}{4}$ واکنشی است. پلیس سلیقه فرد را اعمال می‌کند و از آنجا که اسیر آمار و پرونده مختومه است، متمایل به تعیین تکلیف پرونده‌های ساده است. در دادسرا برای جلوگیری از استغراق نهادهای تعقیب روشهای مختلفی وجود دارد که پرونده از روند کیفری خارجی شود. در دادسرا دو سیستم قانونی بودن کیفری و مناسب و مفید تشخیص دادن تعقیب وجود دارد. در طریق دوم دادستان پرونده‌های مشکل که مشمول رقم خاکستری جرم‌اند از مسیر کیفری خارج می‌کند و آنرا به مصلحت جامعه نمی‌داند و منع و موقوفی و تعلیق تعقیب صادر می‌کند. قضات نیز به نوعی در

فیلترکردن پرونده‌ها اقدام می‌کنند. به این ترتیب تعدادی از پرونده‌ها کنار گذاشته می‌شوند. در فرانسه در سال ۹۰-۱۹۸۰ م، تحقیق نشان می‌دهد، پرونده‌های که به رویت دادسرا رسیده و منع تعقیب خورده‌اند بین ۸۰ تا ۸۹٪ اند. به طور ضمنی دادسرا با توجه به تراکم کار پرونده‌های آنها را از اعداد رسیدگی خارج کرده است. در آمریکا ملاحظه شده دادستانها در جنایات شدید حدود ۳۰٪ از پرونده‌ها را کنار می‌گذارند. متهم دستگیر شده و رقم خاکستری وجود دارد و در پرونده‌هایی که جنبه جنحه دارد این درصد $\frac{3}{4}$ است و به طور کلی در باب تعقیب پرونده‌ها مطالعات نشان می‌دهد که به سه دلیل پرونده‌های کیفری تعقیب نمی‌شوند.

۱- ادله کیفری یقین آور و قوی نیست،

۲- در بین جرایم اعلام شده، جرایم سبک‌تر کنار گذاشته می‌شوند و جرایم شدید مورد توجه پلیس قرار می‌گیرد،

۳- در پرونده‌هایی که میان بزه کار و بزه دیده در آستانه جرم رابطه‌ای وجود داشته، معمولاً کلانتری‌ها و دادسراها متمایل به عدم تعقیب هستند زیرا مشاهده شده در این موارد مجنی علیه از یک مقطعی به بعد در فرایند کیفری همکاری لازم را با دادگاه ندارد.

پرونده‌هایی که تعقیب نمی‌شوند سه خصیصه دارند چرا که دلایل واهی است و جرائمی که سبک‌ترند کنار گذاشته می‌شوند و بین طرفین رابطه است وقتی گفته می‌شود پرونده‌های سنگین و مهم است هر گاه مجرم دستگیر و شناسائی نشده باشد؛ پلیس در اینجا اقدام خاصی نمی‌کند چرا که زود به نتیجه نمی‌رسد. پلیس دست به اقدامی می‌زند که زود نتیجه بدهد. اگر فشار سیاسی یا خاصی روی پرونده باشد اقدام می‌کند و این استثناء است.

کیفر در مقایسه با جرائم ارتكابی و تعداد جرائمی که واقعاً اتفاق می‌افتد مناسب‌های کمتری برای اجرا می‌یابد و به دلیل رقم سیاه یا خاکستری بزهکاری یا

جرم‌شناسی ۱۰۲۷

انصراف بزه دیده از اعلام شکایت یا به لحاظ عادت پلیس و سنت قضایی بخشی از جرائم به مرحله محکومیت و کیفر نمی‌رسند. کیفر در مقایسه با جرائم کمتر به اجرا در می‌آید. در سال ۱۹۹۴ در مطالعاتی در آمریکا، از طریق نظر سنجی از بزه دیدگان و آمار پلیس فدرال و قضایی مشخص می‌شود از صد سرقت از منازل (le Cambriolage (burglary))، مالباخته‌ها ۳۹ مورد را اعلام می‌کنند و ۶۱ مورد اعلام نمی‌شود. آنچه به پلیس گزارش می‌شود در سطح پلیس ۴ پرونده تعیین تکلیف می‌شود و در مرحله دادگاه ۱/۳٪ به مرحله محکومیت می‌رسد. پس چه به لحاظ تصور بزه دیدگان و سنت پلیس و چه به لحاظ تشریفات قضایی از ۱۰۰ سرقت یک یا دو سرقت کیفر می‌شود. پس کیفر مناسبت اجرائی کمتر از جرائم می‌یابد. بنابراین در تضعیف کیفر ما با نوعی گرفتگی و موانع در سطح خود پلیس روبرو هستیم که قسمتی از آن ناشی از تراکم پرونده، سنت و عدم همکاری قربانیان است. علت عدم اعلام جرائم تشریفات طولانی، عدم اعتماد به پلیس، مخارج دادگستری است و از طرفی مالباخته‌ها می‌خواهند اموال خود را پیدا کنند و مجازات مجرم به تنهایی کفایت نمی‌کند و بزه دیده امید چندی به پیدا کردن اموال خود ندارند. نحوه دریافت و استقبال پلیس در زمان شکایت و همچنین مقدار وقتی که گرفته می‌شود نیز مهم است. بیمه بودن اموال نیز عاملی در عدم شکایت است و تنها شکایت برای تکمیل پرونده بیمه‌ای است و الا امیدی به پیدا کردن مال خود ندارند.

پس کیفر بدین ترتیب کارایی خود را از دست می‌دهد. در کانادا برای اینکه در خصوص جرائم شدید، (جنایات) تعداد پرونده‌های تعیین تکلیف شده و موارد اعلام شکایات بیشتر است، تصمیم گرفتند برای ارتقاء باز دارندگی کیفر، زندان را به جای مرکز اصلاح و درمان تبدیل به مرکز اداره خطر و مدیریت افراد خطرناک کنند. زندانیان در کانادا در باب جنایات بر اثر درجه خطرناکی در زندان قرار می‌گیرند و صحبتی از فردی کردن مجازات نیست و بحث از فردی کردن زندان با توجه به درجه

۱۰۲۸ مباحثی در علوم جنایی

خطر و خطرناکی آنهاست. زندان بر اثر اصلاح و درمان آرایش نمی‌یابد. و بر اثر نوع خطرناکی تقسیم می‌شوند. اینجا بازگشت به مجازات استحقاقی است که هدف سلب توانائی از بزهکاران است.

۴- تحولات شدت کیفر

آیا مجازات‌ها در طول تاریخ ۴۰۰۰ ساله حقوق جزا به سمت تخفیف و کاهش رفته‌اند یا تشدید شده‌اند؟ مجازات از هر زاویه می‌توانند بررسی می‌شود:

۱- در طیف دراز مدت، مجازات‌ها از سیصد سال پیش (اواخر قرون وسطی) به این سو تا سال ۱۹۷۰ م رو به کاهش بوده‌اند. به عبارت دیگر مجازات‌های شدید جای خود را به مجازات خفیف داده‌اند و کیفر اعزام بزهکاران خطرناک به جاهای دوردست تبدیل به تبعید در داخل یک کشور می‌شود. کیفر قطع عضو و به نمایش گذاشتن اجساد از بین می‌رود و مجازات اعدام از بین می‌رود و حبس به جای آن گذاشته می‌شود حتی خود حبس صرفاً جنبه قانونی دارد و در عمل حبس ابد تبدیل به حبس مدت دار می‌شود (کودک ربائی به منظور تجاوز و قتل او در حقوق فرانسه حبس ابد دارد) در حقوق فرانسه در باب بزهکاران خطرناک یا مکرر یک تدبیر در مرحله اجرای حبس است که دوره تامینی نام دارد یعنی مدتی که طی آن زندانی حق برخورداری از هیچیک از امتیازات قانونی (آزادی مشروط، مرخصی) را ندارد و بعد از انقضای دوره تامینی مواعد برخورداری از ساز و کارهای تخفیفی و ارفاقی آغاز می‌شود. سه دلیل برای عقب‌نشینی شدت مجازات‌ها و کاهش مجازات‌ها بیان شده است:

الف - مسائل فرهنگی، تمدن و آداب و رسوم ملل

ب - علل سیاسی

ج - ملاحظات حقوق بشری

علت اول: مطالعات مختلف در غرب نشان می‌دهد که ساختار عاطفی انسان‌ها رقیق‌تر شده است. در بین انسان‌ها نوع دوستی و همبستگی اجتماعی بیشتر از گذشته

جرم‌شناسی ۱۰۲۹

است و خشونت جای خود را به عطفوت داده است و دگر دوستی در فرهنگ بشر ریشه دوانده است و تحمل و رویت و پذیرش مجازات‌های خشن برای بشر امروزی سخت است. در دوران قبل ارتکاب خشونت بین انسان‌ها توسط حکام و اشراف تشویق می‌شده است. نمونه خشونت بسیار جاری، خشونت قضایی (اوردالی) بوده است. دوئل قضائی، اتهام زننده و متهم را مقابل هم قرار می‌داده است جسم انسان موضوع کیفر بوده است. حتی در تاریخ باستان بین النهرین مجازات‌های آیینی‌ای (انعکاسی) وجود داشته است که به موجب آن، آن عضوی که مرتکب جرم شده، مجازات می‌شده است.

بدیهی است که این مجازات‌ها به تدریج جای خود را به مجازات‌های روانی، مالی و حقوقی و اجتماعی می‌دهد.

علت دوم: که دلیل سیاسی است، دلیل سیاسی در افول خشونت در کیفرها را باید در عقب نشینی استبداد و اقتدارگرایی سیاسی جستجو کرد. دو سده اخیر کشورها شاهد فروپاشی دیکتاتوری‌ها و ظهور مردم سالاری و مشارکت مردم می‌باشند. بنابراین به موازات توسعه مشارکت مردم در حکومت داری، قضاوت و نگرش مردم به طور غیر مستقیم در نوع مجلس به طور غیر مستقیم متبلور می‌شود. رژیم استبدادی و تک شخصیتی و توتالیتیر معمولاً از لحاظ مقدار مجازات‌ها شدت گراتر از رژیم‌های مردمی‌اند. تحقیق سال ۱۹۹۱ که بین ۴۱ کشور در خصوص اعدام و حبس انجام شد نشان داد که ۸۳٪ از کشورهای حفظ کننده اعدام توتالیتیر و اوتورتیر هستند و ۲۴٪ که آنها را لغو کرده‌اند مردم سالارند. این نرخ درباره حبس هم صادق است.

[فرق بین نظام تورتیر (اقتدارگر) و توتالیتیر (اقتدارگرای فراگیر) در سیاست جنایی اینست که در نظام نوع اول حقوق جزا بین جرم و انحراف تفاوت قائل می‌شود لیکن حقوق جزا هم به جرم و هم به انحراف پاسخ می‌دهد ولی در نظام‌های نوع دوم حقوق جزا بین انحراف و جرم تفکیک قائل نمی‌شود و هر دو را جرم

۱۰۳۰ مباحثی در علوم جنایی

می‌داند و پاسخ کیفری می‌دهد لذا در این نظام‌ها هیچ حوزه و فضای مانوری برای انسان‌ها متصور نیست و همه اقدامات آنها مشمول حقوق جزاست و همه حوزه‌ها را حقوق جزا در بر می‌گیرد. در نظام اقتدارگر بین انحراف و جرم تفاوت است ولی حقوق جزا در هر دو مداخله می‌کند ولی نوع مداخله متفاوت است و درباب جرم کیفر می‌دهد ولی انحراف پاسخ خفیفتر و اخلاقی و درمانی دارد. در نظام‌های مردم سالار بین جرم و انحراف تفکیک است و حقوق جزا تنها به جرم پاسخ می‌دهد و مردم و خانواده و ... به انحراف فرد پاسخ می‌دهند (پاسخ جامعوی)].

علت سوم: دلایل حقوق بشری است که مجازات‌ها را مشمول قید و بند کرده است مثلاً در میثاقین حقوق بشر ۱۹۶۶ انسان مجرم را از مجازات‌هایی که وی در حد یک موش آزمایشگاهی تنزل می‌دهد، مصون داشته است. مجرم نباید موضوع آزمایشات شیمیائی و پزشکی قرار گیرد (مگر اینکه رضایت دهد) پس مجرمی هم که به اعدام محکوم شده است حق نداریم از او استفاده کنیم در باب کیفرشناسی به طور کلی یک فصل بزرگی به انسانی بودن مجازات‌ها به ویژه انسانی شدن و معنوی کردن محیط زندان اختصاص داده شده است و از مجازات‌های مضاعف منع شده است.

۲- درطیف کوتاه مدت مشاهده می‌کنیم در کشورهای غربی (بویژه بعد از جنگ دوم جهانی) به مجازات‌ها جنبه اصلاحی، درمانی و پزشکی داده بودند یک گرایش به سمت تشدید مجازات وجود دارد اگر چه کیفر مرگ لغو شده و تشریفات آئین دادرسی کیفری و حقوق متهم جنبه اساسی و حقوق بشری یافته، مع ذلک مشاهده می‌شود که در خصوص میزان و مدت مجازات نوعی شدت گرائی است. میزان و مدت حبس و جریمه‌ها تشدید شده و قضات در عمل به کیفر بلند مدت حبس متوسل می‌شوند در ایالات متحده آمریکا از سال ۱۹۷۰ به بعد با رشد زیادی از تورم جمعیت کیفری روبرو شده است و در سال ۱۹۷۳ به ازای هر صد هزار نفر زندانی، ۳۵۱ زندانی وجود داشته است. از طرف دیگر دولتمردان و سیاستمداران با توجه به

جرم‌شناسی ۱۰۳۱

تقاضای شهروندان از شدت گرائی در حقوق جزا حمایت می‌کنند و گفتمان سیاسی که بر بازپروری و درمان تاکید می‌کرده امروزه شدت عمل یافته است. نظریه تسامح دلیل این امر است به این ترتیب در کوتاه مدت مجازاتها در نوع خود به سمت شدت می‌رود. در یک دوره بسیار وسیع مانند سه قرن مجازاتها خفیف است ولی در مقایسه با پنجاه سال پیش مجازاتها شدید است.

۵- کیفر و مجازات: حاصل یک تصمیم‌گیری است. فرایند تعیین کیفر در حکم از عوامل مختلفی متاثر می‌شود. بین زمان محاکمه و اجرای مجازات پارامترهای چندی محاکمه متهم، تعیین مجرمیت و تعیین مجازات را تحت الشعاع قرار می‌دهد بسیاری از عوامل نامرئی و برخی آشکار در فرایند کیفر پلیس مداخله می‌کند و سپس دستگاه قضائی نقش دارد. در دستگاه قضائی تفاوت آراء است. پس سه موضوع بررسی می‌شود.

۱- نقش پلیس در تعیین کیفر

۲- نقش قاضی

۳- اختلاف بین کیفرهای صادره برای یک جرم

عدالت کیفری همچون گذشته در یک برج عاج عمل نمی‌کنند کیفر علاوه بر بعد حقوقی دارای ابعاد سیاسی و فرهنگی و اقتصادی است. بخش نامرئی که در دادنامه نمی‌آید چیست؟

کیفر و حکم کیفر حاصل یک فرایند و پروسه است. پروسه شامل تسلسل یک سلسله امور در زمان است فرایند یک نقطه آغاز و یک جریان و یک نقطه پایانی دارد. عنصر زمان در فرایند نقش عمده دارد. کیفر هم به عنوان موضوع حکم محکومیت مشمول یک فرایند است که نقطه آغاز، اعلام شکایت به پلیس و کشف جرم توسط پلیس و ضابطین عام است و نقطه پایان صدور حکم محکومیتی است که جنبه امر مختمومه یافته است. امر مختمومه کیفری در ایران در پرتو قوانین بعد از انقلاب خدشه

۱۰۳۲ مباحثی در علوم جنایی

دار شده است. به موجب قانون تعیین وظایف رئیس قوه قضائیه، قانونگذار به او یک سمت قضائی هم داده است که می‌تواند در هر لحظه حکم کیفری صادره را دستور به رسیدگی مجدد بدهد این تاسیس توالی فاسد چندی دارد. اولاً قاضی محکمه بدوی و تالی هرگز به سرنوشت و آینده حکم خود اعتقاد ندارد و این بیم را دارد که حکم او اشتباه فرض شود و خدشه دار گردد دوم، برای شکات و بزه دیدگان حرفه‌ای و صوری این اختیارات رئیس قوه قضائیه و دادستان سبب می‌شود که پرونده بالقوه در جریان رسیدگی باشد.

در سایر کشورها و نظام حقوقی ایران قبل از انقلاب فرایند کیفری یک نقطه آغاز و پایانی داشت. امر مختمومه کیفری اهمیتش تا به آنجاست که اگر حکم کیفری در کشور الف صادر و امر مختمومه یافته باشد در کشور ب به نام قاعده منع مجازات مجدد آن امر مختمومه را نمی‌تواند رسیدگی کند. این قدرت منفی امر مختمومه است. این موضوع به موجب ماده ۷. ق. م. ا. زیر سوال رفته است.

به استثنای این مورد، فرایند کیفری (processus penal) یک نقطه آغاز و یک جریان و یک نقطه پایانی دارد که عنصر زمان در آن مهم است در این فرایند عوامل چندی مداخله می‌کنند اینجاست که کیفر قانونی در نقطه پایانی به کیفر قضایی تبدیل می‌شود و با کیفر قانونی تفاوت می‌کند اشخاص مختلفی در فرایند کیفری تاثیر می‌گذارند:

۱- اراده زیان دیده یا بزه‌دیده یا اولیای دم در اعلام شکایت و معرفی بزه‌کار و بزه‌دیده

۲- اراده پلیس و ضابطین عام و خاص دادگستری در کشف جرم: حدود $\frac{3}{4}$

جرائم ارتكابی را بزه‌دیدگان و اولیاء آنها، همسایگان و اشخاص عادی به مرجع

قضایی اعلام می‌کنند. پلیس کمتر از $\frac{1}{4}$ از جرائم را رسیدگی و جریان آنرا آغاز

جرم‌شناسی ۱۰۳۳

می‌کند. پلیس در فرایند کیفری نقش کمرنگی دارد. فرایند کیفری به جامعه مدنی و بزه‌دیدگان نیاز دارد و نقش جامعه مدنی در تعقیب و کشف جرایم اهمیت دارد.

۳- ضابطین قضایی، دادسرا و محاکم نیز مهم‌اند: دادستان، قاضی، کارشناسان و وکلاء ... نقش دادستان بر حسب اینکه نظام تعقیب قانونی باشد یا مناسبت داشتن تعقیب، فرق می‌کند. در کشور فرانسه در امور جنحه‌ای دادستان اختیار زیاد دارد و به نام مصلحت جامعه می‌تواند برخی پرونده‌ها را رسیدگی نکند و پرونده را مختومه کند ولی در کشور ما یا آلمان که اصل قانونی بودن تعقیب وجود دارد، اختیار دادستان محدود است.

نقش پلیس: در بحث پلیس، پلیس اصولاً تحت ملاحظات چندی اقدام می‌کند: ۱- بحث آمار: پلیس اسیر آمار و منحنی فعالیت است زیرا منحنی فعالیت‌های او مساوی امتیازات زیاد یا کم است ۲- پلیس مثل هر شغل دیگری یک سنت و آداب و رسوم خاص خود را دارد. در این عرف پلیس پرونده‌های رسیدگی می‌کند که شاکی و بزه‌دیده داشته باشد و بین بزه‌دیده و بزهکار رابطه نباشد زیرا مطالعات چندی نشان داده که پلیس به محض اینکه پی می‌برد جرم بین دو انسان آشنا اتفاق افتاده در تعقیب و تشکیل پرونده تعلل می‌کند زیرا تجربه نشان می‌دهد در چنین موردی، در مقطعی شاکی، بزه‌دیده و متهم از رفت و آمد به کلانتری خودداری می‌کنند و با هم آشتی می‌کنند. ۳- پلیس راغب به تعقیب پرونده‌های است که بسیار شدیدتر و خشونت دارند زیرا پلیس از قبل این فعالیت‌های امتیاز و مشروعیت می‌گیرد.

این سه عامل در تصمیم پلیس نقش مهمی دارند مثلاً در آمریکا مطالعات نشان می‌دهد که در جرایم جنایی معمولاً پلیس در صورتی که شاکی باشد ۸۴٪ جرایم را تعقیب می‌کند و در جنحه‌گرایش او ۶۰٪ است و در جرایم سبک تقریباً پلیس اقدام نمی‌کند چرا که شکات به پلیس رجوع نمی‌کنند پلیس از یک عامل دیگر تبعیت

۱۰۳۴ مباحثی در علوم جنایی

می‌کند: در کنار ضابطین عام، ضابطین خاص وجود دارد: پلیس گمرک، پلیس جنگل، پلیس شهرداری و ...

بدیهی است که ضابطین خاص برای جرایم خاص از ملاحظات دیگری تبعیت می‌کنند و نوعاً غیرمسلح‌اند و جزء نیروهای کشوری‌اند و از ملاحظات اداری در کشف و تعقیب جرایم استفاده می‌کنند. پلیس و پیدایش آن مساوی با پیدایش شهر است. پلیس در زبان یونانی به معنای شهر است. شهربانی (پلیس) نقش حفظ نظم دارد. بنابراین پلیس اداری صبغه غیرنظامی و غیرمسلح دارد. پلیس مسلح در هیات پلیس قضایی و پلیس ضد شورش متبلور می‌شود اینکه قانون اساسی پلیس را در اعداد نیروهای مسلح آورده است صحیح نیست زیرا پلیس هویت اداری دارد.

ملاحظات کاری و حرفه‌ای بین پلیس قضایی (ضابطین خاص) با ضابطین عام در پروسه کیفری نقش دارد.

جریان پروسه: رسانه‌های گروهی و مطبوعات جنایی تجسسی نقش مهمی دارند. بی‌تردید دستگاه قضائی به دقت قضاوت مردم و روزنامه نگاران را در صفحه حوادث می‌خواند حتی در مقابل ضعف پلیس و دستگاه قضایی در شناسائی مظنون از مطبوعات و رسانه‌های گروهی کمک گرفته می‌شود که با کمک کارگهان خصوصی رکن معین فرایند کیفری مداخله می‌کنند.

تعیین مجازات: در کشور ما یا فرانسه، بین مرحله محاکمه و مرحله صدور حکم فاصله زمانی و تفاوت قضایی وجود ندارد یعنی همان هیأتی که به ماهیت پرونده رسیدگی می‌کنند در خصوص محکومیت و نوع کیفر مداخله می‌کنند در انگلیس مرحله محاکمه و مرحله رسیدگی به دو مرحله فرعی است:

۱- مرحله احراز مجرمیت (محکومیت) ۲- مرحله تعیین و صدور مجازات. قضات این دو مرحله متفاوت‌اند. چنین تاسیسی را فرانسوی‌ها در قانون اصلاح قانون آ.د.ک سال ۲۰۰۰ در مرحله دادسرا وارد حقوق خود کرده‌اند بر خلاف سابق که باز پرس و

جرم‌شناسی ۱۰۳۵

قاضی تحقیق، تحقیقات اولیه را رسیدگی و نوع قرار را صادر می‌کند، از ژوئن ۲۰۰۰ این مرحله داسرا به دو مرحله تحقیقات و قاضی آزادی‌ها تقسیم کرده‌اند و قاضی است که درباره قرار تصمیم می‌گیرد او با رویت پرونده مانند قاضی محکمه، راجع به نوع قرار تصمیم می‌گیرد. در دادگاه‌های فرانسه چنین تاسیسی وجود ندارد.

در نظام ما و کشور فرانسه، در مرحله رسیدگی و صدور حکم، و اختیارات قاضی مهم و حائز اهمیت است و از آن تحت عنوان فردی کردن مجازات یاد می‌کنیم در حقوق فرانسه و قانون جزای آن، ماده ۲۴-۱۳۲ به فردی کردن مجازات اختصاص داده شده است قانونگذار جدید فرانسه به عنوان یک اصل مشخص کرده است که: در محدوده و چارچوب تعیین شده بوسیله قانونگذار، دادگاه‌ها کیفر را تعیین می‌کنند و نظام اجرای آن را با توجه به اوضاع و احوال مربوط به جرم و شخصیت مرتکب جرم تعیین و صادر می‌کنند در کلیات، قانونگذار مبحثی را تحت عنوان فردی کردن آورده است، بنابراین بحث فردی کردن را که علی‌الاصول استادان حقوق از مضامین مواد استخراج کرده بوده‌اند لباس قانونی به خود گرفته است.

در حقوق ما اصل فردی کردن را از ورای ماده ۲۲ ق. م. ا یا ماده ۷۲۸ ق. م. ا استنباط و استخراج می‌کنیم با توجه به حداقل و حداکثر مجازات به اختیارات فردی کردن مجازات قاضی پی می‌بریم.

بدیهی است فردی کردن تا اندازه زیادی از یک سو با نوع جرم و شخصیت متهم و علت و علل وانگیزه جرم بستگی دارد و عامل چهارم شخصیت بزه دیده و شاکی و تحت تکفل اوست. اگر تا به حال فردی کردن قضایی مجازات بر مبنای شخصیت بزه‌کار و نوع جرم تعیین می‌شد، امروزه یکی از عوامل مهم بزه دیده مداری است و دیدگاه‌های مجنی علیه مداری است. حقوق جزای بزه‌دیده مدار مطرح شده است فردی کردن معیار مختلفی دارد.

۱۰۳۶ مباحثی در علوم جنایی

اختلاف و ناهماهنگی بین احکام کیفری: چرا جرم واحد در دادگاه‌های مختلف مشمول مجازات‌های مختلف می‌گردد؟

اولین تحقیق بر روی قضات و روان‌شناسی قضایی است نقش قاضی و وضعیت او و پایگاه اجتماعی او در کیفیت حکم موثر است ما قاضی مجتهد داریم و آموزش او در کیفیت و نوع مجازات تاثیر دارد و قانونگذار به آن بها داده است و اگر نظر اجتهادی قاضی مجتهد در خصوص امر کیفری خلاف حکم قانون باشد، قاضی مجتهد می‌تواند از رسیدگی استنکاف و پرونده را به دادگاه دیگر بدهد.

از طرف دیگر، یکی از عوامل دیگر، چگونگی تشکیل پرونده در دادسرا و نقش دادستان است. کیفر خواست صادره بر اساس چه نوع اتهام و جرمی تنظیم شده است و دادستان عمل را چه دانسته است؟ دادگاه تحقیق می‌کند ولی قضاوت اولیه در ادامه فرایند کیفری نقش عمده دارند. کشور ما که دادسرا وجود ندارد و بار تحقیق بر عهده نیروی انتظامی است، در کیفیت و نوع حکم نقش عمده دارد.

عامل دیگر توانائی و شهادت مدافعین وکلای مدافع است، که در میزان مجازاتی که قاضی تعیین می‌کند، نقش مهمی دارد.

جرم‌شناسی ۱۰۳۷

مقدمه	۹۶۱
ویژگی‌ها و آورده‌های جرم‌شناسی	۹۶۷
جرم‌شناسی به عنوان شاخه‌ای از علوم مرکب	۹۷۰
ویژگی‌های علوم مرکب	۹۷۲
کنترل اجتماعی و واکنش اجتماعی	۹۷۶
گفتار اول: کارایی کنترل‌های اجتماعی جرم	۹۷۷
مبحث اول: کنترل‌های از راه دور (contrôle à distance)	۹۸۳
دیدگاه جرم‌شناسان	۹۸۶
بازدارندگی کیفرها	۹۸۶
انواع بازدارندگی	۹۸۸
۱- بازدارندگی عمومی	۹۸۸
۱-۱- قطعیت (Certainty; la certitude)	۹۸۸
۱-۲- شدت (Severity; la sévérité)	۹۹۱
۱-۳- دو تحقیق در کشورهای اروپایی	۹۹۵
۲- بازدارندگی فردی و خاص	۹۹۸
مبحث دوم: کنترل‌های نزدیک، هم جوار (Contrôle de proximité)	
.....	۱۰۰۱
انواع کنترل نزدیک	۱۰۰۴
۱- کنترل اخلاقی نزدیکان و اطرافیان	۱۰۰۴
۲- پیشگیری وضعی	۱۰۰۶
اعتبار عملی پیشگیری وضعی	۱۰۱۰
مزایای پیشگیری وضعی	۱۰۱۴
۳- طرد	۱۰۱۵

۱۰۳۸ مباحثی در علوم جنایی

خلاصه گفتار اول	۱۰۱۸
گفتار دوم: طرز کار عدالت کیفری	۱۰۱۸
۱- ضمانت اجرای کیفری	۱۰۲۱
۲- نهاد کیفری	۱۰۲۳
۳- مدیریت اداره تراکم کیفری	۱۰۲۵
۴- تحولات شدت کیفر	۱۰۲۸